

غرب و منازعه دریایی در خلیج فارس: ۱۹۸۷^(۱)

آنتونی کردزمن
پریسا کریمی نیا^(۲)

کتاب غرب و خلیج فارس: روابط استراتژیک و واقعیت‌های نظامی نوشته آنتونی کردزمن یکی از کتابهای مهم در موضوع مناسبات نظامی و امنیتی غرب و کشورهای حوزه خلیج فارس است که در آن، تحولات دهه ۸۰ از منظر یک کارشناس امریکایی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در شماره‌های پیشین فصلنامه، فصل دهم این کتاب با عنوان ورود غرب به خلیج فارس ارائه شد و اکنون، قسمت نخست فصل یازدهم کتاب مزبور با عنوان غرب و منازعه دریایی در خلیج فارس؛ ۱۹۸۷ که مسائل و تحولات مربوط به رویارویی و درگیری نظامی ایران و امریکا در سال ۱۳۶۶ را بررسی می‌کند، درج می‌شود. همان‌گونه که پیش از این، نیز یادآور شده‌ایم، ارائه این مقالات دلیلی بر درستی همه مطالب و موافقت با دیدگاه‌های نویسنده نیست. وی در موارد متعددی از مسیر انصاف علمی خارج شده و در تحولاتی چون کشتار زائران ایرانی در مکه مکرمه، ایران را مقصر قلمداد کرده و در مورد مسائل مربوط به درگیری نظامی ایران و امریکا به توجیه اقدامات تجاوزکارانه واشنگتن پرداخته است. فصلنامه نگین ایران بر اساس اصول مسلم ترجمه به اصل متن پای بند بوده است و در مواردی که مطلب به اصل موضوع چندان ارتباط نداشته یا بسیار مغرضانه بوده آن را حذف و با علامت [...] مشخص کرده است. آشنایی خوانندگان فصلنامه با دیدگاه‌های کارشناسان امریکا و استفاده از اطلاعات در خور توجهی که در این نوشته وجود دارد، دلایلی بر ترجمه و چاپ این مطلب است.

دیگر نامحتمل و حتی ناممکن به نظر می‌رسد، اما نکته درخور توجه آنکه امریکا مداخله خود را در خلیج فارس تحت شرایطی آغاز کرد که می‌توانست از آن خودداری کند. البته، در آینده نیز، باید از آن دوری گزیند.

درست زمانی که امریکا نیروهای خود را به خلیج فارس اعزام کرد، حوادث جنگ، موقعیت استراتژیک فوق‌العاده حادی را پدید آورده بودند. سرعت و ماهیت جنگ ایران و عراق به نقطه‌ای رسیده بود که اجرای طرح پرچم‌گذاری نفت کشتی‌های کویتی از سوی امریکا را از حد پیش‌بینی شده سخت‌تر کرده بود، آن هم درست زمانی که امریکا با سلسله‌ای از پیامدهای اشتباهات دردناک خود روبه‌رو بود:

در دو مقاله گذشته، از روابط غرب با کشورهای خلیج فارس، که نتایج نسبتاً مشخصی نیز داشت، بحث شد، اما پیامدهای جنگ ایران و عراق و مداخله نیروی دریایی غرب در خلیج فارس، که در این نوشته، بدان پرداخته شده است، آشکار نیست، حتی زمان احتمالی حل و فصل آنها را نیز نمی‌توان پیش‌بینی کرد. روی هم رفته به نظر می‌رسد که غرب و کشورهای خلیج فارس از پیامدهای بحران جاری به جز در مواردی، مانند پیروزی ایران بر عراق یا پیروزی ایران در مجبور کردن نیروهای امریکایی و اروپایی به ترک خلیج فارس تحت شرایطی که در حکم شکست غرب بود، درس‌های مشترکی گرفتند. هر دو احتمال مزبور اکنون،

1. Antony H. Cordesman. *The Gulf and the West: Strategic Realities*. America: Westview Press. 1988. p.361,395

(۲) کارشناس ارشد زبان انگلیسی

- دولت ریگان هنوز از آشفتگیهای ناشی از آشکار شدن معاملات اسلحه با ایران رنج می برد.

- دولت و کنگره در مواجهه با دولتهای جنوب خلیج فارس با مشکلات نظامی و سیاسی عمده ای روبه رو بودند.

- آمریکا هنوز نمی توانست در حد وسیعی به دولتهای متحد خود در خلیج فارس سلاح بفروشد و با افشای ماجرای مک فارلین از متحدان اروپایی اش نیز دور افتاده بود.

- شوروی می توانست با مورد توجه قرار دادن اشتباهات آمریکا، روابط خود را با ایران بهبود بخشد.

- نیروهای آمریکا بدون هیچ تحلیل مناسبی از خطرهای پیش رو، بدون تعریف روشنی از منافع و تعهدات این کشور، بدون حمایت مناسب تشکیلات بین سازمانی، با یک درگیری نظامی عمده با ایران، وارد منطقه جنگی می شدند.

هر چند این اشتباهات در روابط با دولتهای منطقه تنها به آمریکا محدود نمی شود، اما این کشور طی سال ۱۹۸۶ و اوایل سال ۱۹۸۷، به جای اعمال سیاستی مبتنی بر روابط استراتژیک با ثبات با دولتهای خلیج فارس و متحدان غربی اش، سیاست یکجانبه ای مبتنی بر منافع و مصالح مقطعی و الزامات سیاست داخلی در پیش گرفت و برای آن هزینه گزافی پرداخت.

عملیات اسکورت از سوی آمریکا

اقدامات اولیه آمریکا در خلیج فارس به هیچ وجه اطمینان بخش نبود. دولت آمریکا در ۱۴ ماه جولای سال ۱۹۸۷ طی کنفرانسی مطبوعاتی اعلام کرد که طی هفته آینده، اسکورت کشتیهای پرچم گذاری شده کویتی را آغاز خواهد کرد و همچنین، کشتی امریکایی بریجتون^(۱)، (الراکه)^(۲) از جمله نخستین کشتیهایی است که پس از مین رویی مسیر، اسکورت خواهد شد. از سوی دیگر، آمریکا طولانی شدن پاک سازی مسیر اصلی عبور کشتیهای کویتی از مینهای ریخته شده و نزدیکی بسیار زیاد مسیر عبور کشتیها به آبهای ایران و ناامنی آن را علت تأخیر در آغاز عملیات اسکورت عنوان کرد.^۱

این مسائل در حالی اعلام می شد که مسئولان آمریکا متوجه شدند که هیچ یک از نه فروند کشتی جنگی آنها در خلیج فارس مین روب نیستند و با وجود اینکه آماده اعزام پنج فروند بالگرد به منطقه بودند، اما هیچ بالگرد مین روب سی دراگون ام.اچ - ۵۳^(۳) در منطقه وجود نداشت. بعدها، آمریکا اعلام کرد به دلیل طرح کویت برای اجاره مین روبهای دانمارکی و به دست آوردن پشتیبانی فنی این

کشور بود که اعزام یک گروه دویست نفری و بالگردهای امریکایی به تأخیر افتاد. در عین حال، تلاشهای کویت برای مین رویی از منشور بین المللی ویژه ای پیروی می کرد. بخشی از کارها از سوی کارشناسان شوروی و هلند و بخش دیگری از سوی هجده نفر از کادر نیروی دریایی آمریکا با مین روبهای عربستان انجام می گرفت. مینهای کشف شده مینهای ام.ا - ۸ قدیمی ساخت شوروی بودند که ایران از کره شمالی خریداری کرده بود. این مینها در عمق ۳۵۰ پایی کار گذاشته می شدند و حاوی ۲۵۰ پوند مواد منفجره بودند.^۳

پرچم آمریکا برای نخستین بار در ۲۱ ماه جولای سال ۱۹۸۷ بر فراز نفت کشتیهای کویتی به اهتزاز درآمد و بدین ترتیب، عملیات اسکورت - که در آن زمان، عملیات اراده آهنین نامیده می شد - آغاز شد. هر چند پیش از این، آمریکا تقریباً چهار ماه فرصت داشت تا خود را برای نخستین اسکورت آماده کند، اما در آغاز عملیات اسکورت، نیروهای این کشور هنوز با ترکیب پیچیده ای از نقاط قوت و ضعف روبه رو بودند.

مهم ترین نقطه قوت نیروهای امریکایی که در نخستین عملیات اسکورت شرکت کردند، این بود که نیروی نسبتاً عظیمی، تنها برای اسکورت دو نفت کش آماده شده بود. آمریکا در منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز، چهار ناوچه، سه ناو و یک ناوشکن در اختیار داشت. این کشتیها از زمان ورود آخرین اعضای نیروی اسکورت در اوایل ماه جولای، در سه عملیات تمرینی شرکت کرده بودند، ضمن آنکه طرح عملیات اسکورت نیز در حدود هشتاد صفحه برای آنها شرح داده شده بود. همچنین، آمریکا یک ناوگان هواپیمابر نیروی ویژه شامل ناو هواپیمابر کانستیشن^(۴) داشت که در اقیانوس هند مستقر بود. از سوی دیگر، ناو جنگی میسوری^(۵)، دو فروند ناوشکن دیگر و یک فروند ناو بالگرد در حال اعزام به منطقه بودند.

آمریکا طبق طرح خود در نظر داشت تا در ماههای جولای و اوت، هر دو هفته یکبار، عملیات اسکورت را انجام دهد. هدف این کشور از رعایت فاصله زمانی مزبور آن بود که موضوع و مفهوم نیروی ویژه را بیازماید و به واکنشهای ایران پی ببرد. همچنین، این امر از بار سنگین هوشیاری دائمی در برابر حملات انتحاری و دیگر اشکال جنگ نامنظم می کاست. انتخاب ناوشکن فوکس^(۶) و ناو کید^(۷) بیشتر به این دلیل بود که توپهای ۷۶ میلی متری آنها

(1) Bridgeton (2) Al Rekkah (3) Sea Dragon

(4) Constellation (5) Missouri (6) FOX (7) Kidd

جدول شماره ۱: نیروهای دریایی در خلیج فارس و دریای عمان: جولای ۱۹۸۷^(۱)

کشور	رزمناو	ناوشکن	ناوچه	کشتیهای توپ دار	شناور تهاجمی تندرو	قابلق گشتی	شناورهای آبی خاکی	مین روب
امریکا (۲)	۲	۱	۴	---	---	---	---	---
ایران (۳)	---	۳	۴	۲	۸	۷	۸	۲
عراق (۴)	---	۲	۱۲	۱۵	۱۱	۷	۵	---
انگلستان	---	۱	۱	---	---	---	---	---
فرانسه	---	۲	---	---	---	---	---	---
شوروی	---	---	۱	---	---	---	---	---
کویت	---	---	---	---	۸	۵۰	۱۳	---
عربستان	---	---	۴	۴	۱۲	۴۶	۱۵	۴
بحرین	---	---	---	---	۴	---	---	---
قطر	---	---	---	---	۳	۶	---	---
امارات	---	---	---	---	۶	۹	---	---
عمان	---	---	---	---	۸	۹	۷	---

حضور نیروی کارشناس مین نشده بود؛ بنابراین نیروی دریایی امریکا آمادگی لازم را برای اجرای مأموریت مقابله با مینهای دریایی نداشت و از اوایل دهه ۷۰، در این زمینه بیشتر بر متحدان اروپایی اش متکی بود. در عین حال، امریکا در آغاز این مرحله از جنگ نفت کشها، تلاش چندانی برای دست یابی به حمایت مستقیم متحدانش نکرد.

بنابراین، این کشور با تهدیدی اساسی روبه رو بود که آماده مواجهه با آن را نبود. در واقع، به رغم آنکه امریکا گزارشهایی را در مورد دسترسی ایران به منابع گسترده مین دریافت کرده بود، اما برای رویارویی با آن آمادگی نداشت. در این زمینه باید توجه کرد که هرچند تعداد مینهای ایران نامعلوم بود، اما پیش از آغاز عملیات اسکورت از سوی امریکا، گزارش شده بود که ایران هر دو نوع مینهای سطحی و عمقی و دست کم تعدادی مین زمان دار یا مدت دار در اختیار دارد که تنها پس از مدت زمان مشخصی با عبور چند کشتی یا مین روب فعال می شود. افزون بر این، در گزارشهای دیگر نیز اعلام شده بود که ایران احتمالاً، تعدادی از مینهای تماسی، مغناطیسی، حساس به صدا، حساس به موج، فشاری، حرارتی و مینهای کنترل از راه دور را نیز در اختیار دارد. البته، برخی از این نوع اخیر، مینهای فلزی بزرگی بودند که به راحتی می توانستند از

در برابر اهداف ساحلی و همچنین، حملات ناگهانی نیروی دریایی ایران آتش سنگینی را فراهم می آورد. نکته دیگر اینکه تمامی کشتیهای جنگی امریکا به رادارهای دوربرد، شبکه های اطلاعاتی و توپهای دفاعی فالانکس مجهز بودند.

با وجود این، نیروهای امریکا ضعفهای متعددی داشتند. در حالی که نیروی دریایی فعال امریکا در منطقه با طیف گسترده ای از دوستان و دشمنان روبه رو بود (در جدول شماره ۱ نشان داده شده است)، عملاً، هیچ کشوری از آن حمایت نمی کرد. در واقع، هر چند امکانات محدودی در عمان، بحرین و عربستان سعودی در اختیار این کشور قرار داده شده بود، اما از دسترسی به بیشتر پایگاههای دریایی و هوایی منطقه محروم بود؛ همچنین، این نیرو نمی توانست از کشتیهای منفرد کمکی خارج از عملیات اسکورت برای به حداقل رساندن احتمال موفقیت یک حمله کامل استفاده کند و از تجهیزات دفاعی در برابر مینها محروم بود؛ ضعفی که ایران بیشترین بهره برداری را از آن کرد.

البته، باید یادآور شد محروم بودن نیروهای امریکا از تجهیزات دفاعی در برابر مینها تا حدی به دلیل عدم برنامه ریزی مناسب بود؛ چرا که به رغم هشدارهای مقامات اطلاعاتی و نیروی دریایی امریکا در طرح عملیاتی اولیه ستاد مشترک و سنتکام^(۵) هیچ گونه پیش بینی ای در مورد

(1). Source: Adapted from IISS, Military Balance, 1987-1988; and New York Times, July 12, 1987, P.E-3.

(۲) امریکا یک فروند کشتی فرماندهی دیگر در خلیج فارس و یک ناو هواپیمابر کانستیشن و کشتیهای همراه آن را، در اقیانوس هند داشت.

(۳) بیانگر خسارات و تلفات زمان جنگ نیست و واحدهای نیروی دریایی سپاه را شامل نمی شود.

(۴) بیانگر خسارات و تلفات زمان جنگ نیست و کشتیهای به دام افتاده در بنادر عراق را شامل نمی شود.

(5). CENTCOM

داشتن ترکیب و برنامه اسکورت کشتیها و جزئیات نقاط ضعف و قوت آن، مطبوعات به صورت گسترده ای آنها را منعکس کردند. ضعفهای امریکا، به ویژه در زمینه جنگ مینها، کاملاً برای ایران آشکار شد. از آنجا که ایران می توانست مسیر و زمان حرکت کشتیهای اسکورت را پیش بینی کند، شناورهای کوچک می توانستند یک کشتی را هدف حمله قرار دهند یا در شب، تنها چند مین تماسی را در دریاها کنند.^۶

اصابت مین به بریجتون

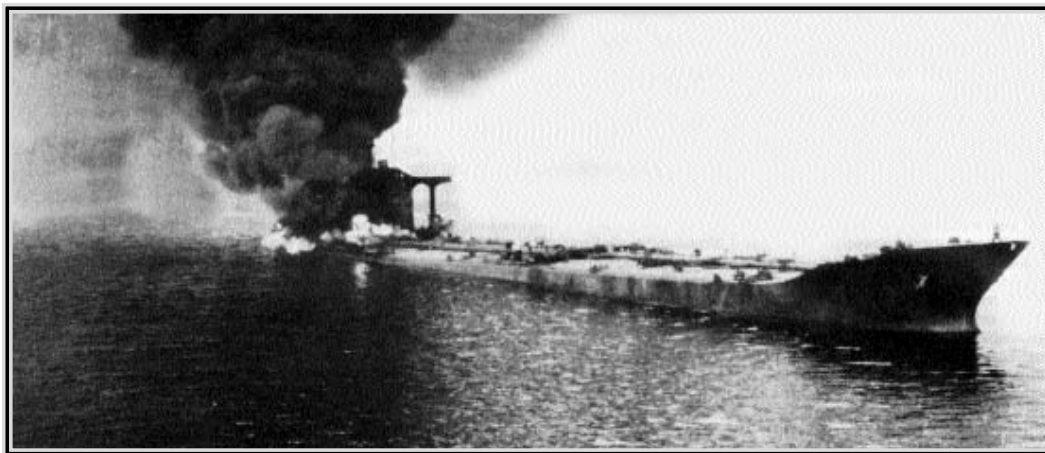
طبق برنامه، نخستین ناوگان اسکورت امریکا در ۲۲ ماه جولای سال ۱۹۸۷ به حرکت درآمد. این کشور چهار کشتی جنگی در این ناوگان داشت که یکی از آنها یک رزمناو مجهز به موشکهای هدایت شونده بود. کشتیهای پرچم گذاری شده سوپر نفت کش ۴۱۴۲۶۶ تنی بریجتون و نفت کش ۴۸۲۳۳ تنی گاز پرنس^(۱) را شامل می شدند. این ناوگان از تنگه هرمز به سلامت عبور کرد و احتمال داده می شد که بعد از یک هفته آرامش در جنگ نفت کشها، ایران قصد آغاز حمله را نداشته باشد. در واقع، ایران بیشترین کاری که انجام داد، این بود که به هنگام ورود ناوگان به خلیج فارس چهار فروند هواپیمای اف-۴ را به سوی آن به پرواز در آورد. همچنین، مانور دریایی جدیدی را با نام مانور دریایی شهادت اعلام کرد.^۷ در ۲۳ ماه جولای، هنگامی که این ناوگان به نیمه راه رسیده بود، ایران اعلام کرد که ناوگان مزبور حامل کالاهای قاچاق است.^۸

متأسفانه، امریکا توجه خود را بیشتر به حملات موشکی در نزدیکی تنگه هرمز معطوف کرده بود و کمتر به شکلها و

طریق دستگاه صوتی^(۱) کشف شوند، اما تعداد زیادی از آنها بسیار کوچک تر از آن بودند که به آسانی کشف شوند و تعداد دیگری از آنها نیز غیرمغناطیسی بودند. در عمل، ایران تنها از مینهایی استفاده کرد که در جنگ جهانی اول، از آنها استفاده می شد. با این حال، همین مینها نیز آشفتگی زیادی به بار آورد.

مشکل دیگر عملیات اسکورت مسافت طولانی ای بود که کشتی همراه باید طی می کرد؛ چرا که از لحظه ورود به تنگه هرمز تا لحظه رسیدن به بندری در کویت، در معرض خطر قرار داشت. کشتی همراه مجبور بود مسیری شصت مایلی را از دیباب^(۲) در خارج از خلیج فارس تا تنگه هرمز طی کند؛ مسیری که با سرعت شانزده گره، هشت ساعت طول می کشید. در پنجاه مایل بعدی، کشتی مجبور بود از تنگه هرمز و از نزدیکی منطقه انحصاری ایران عبور کند که بیست مایل وسعت داشت و به محل استقرار موشکهای کرم ابریشم نزدیک بود. این کشتی سپس، باید نود مایل دیگر طی می کرد تا به منطقه ای در نزدیک ابونعیر^(۳) در ساحل ابوظبی می رسید و این به معنای عبور از جزایر ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک بود. از این منطقه تا کانال نفتی زقوم^(۴) امارات، شصت مایل؛ تا جزیره حالول^(۵) قطر، شصت مایل؛ تا منطقه شاه الوم^(۶)، نود مایل؛ و تا آبهای ایران، تنها یک مایل فاصله بود. در این نقطه، کشتی همراه هنوز حدود ۲۸۵ مایل دیگر در منطقه آزاد پیش رو داشت تا از رأس التنوره به کویت برسد؛ مسافتی که در فاصله زمانی طی آن، ایران می توانست ابزار و هدف حمله خود را انتخاب کند.^۵

سرانجام، به رغم تلاشهای امریکا برای پنهان نگه



(1) Sonar (2)Dibab (3)Abu Nuayr (4)Zaqum (5)Halul (6)Shah Allum



امریکا طی سال ۱۹۸۶ و اوایل سال ۱۹۸۷، به جای اعمال سیاستی مبتنی بر روابط استراتژیک و با ثبات با دولتهای خلیج فارس و متحدان غربی اش، سیاست یکجانبه‌ای مبتنی بر منافع و مصالح مقطعی و الزامات سیاست داخلی در پیش گرفت و برای آن هزینه گزافی پرداخت

مستقیمی درگیر نکنند.^۹ نکته درخور توجه آنکه بعد از اصابت مین به بریجتون، وی مجبور شد، اعتراف کند که به‌رغم اخطارهای منابع اطلاعاتی و فرمانده عملیات اسکورت در مورد وجود مین، مسیر حرکت این کشتی کنترل نشده بود.^{۱۰}

در واقع، به دلیل توجه و بهره‌برداری از بزرگ‌ترین و تنهاترین نقطه آسیب‌پذیر سیستم اسکورت امریکا بود که ایران به موفقیت رسید و توانست هیچ‌گونه ردی از خود برجا نگذارد تا دلیلی بر ارتباط ایران یا دولت این کشور با این حمله باشد. هر چند بعدها معلوم شد که ایران سه میدان مین دیگر را با دست کم، شصت مین ایجاد کرده است، اما حادثه بریجتون نه چندان پیگیری و نه فیلمی از آن تهیه شد. این موضوع پیروزی تبلیغاتی بزرگی برای ایران بود. میرحسین موسوی، نخست‌وزیر، از این حمله به منزله ضربه جبران‌ناپذیری بر حیثیت سیاسی و نظامی امریکا یاد کرد، هرچند وی برای احتیاط، آن را امدادی غیبی نامید. هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس، نیز دامنه تهدید را به عربستان و کویت گسترش داد و گفت: «از حالا به بعد، اگر چاهها، تأسیسات و مراکز نفتی ما هدف حمله قرار گیرد، ما تأسیسات و مراکز نفتی شرکای عراق را هدف حملات خود قرار خواهیم داد». همچنین، رفسنجانی از سیاست جدید تلافی جویانه‌ای نیز خبر داد. در ۲۷ ماه جولای، رئیس‌جمهور [آیت‌الله] خامنه‌ای این تهدید را تکرار کرد و کویت را تنها کشور حامی آشکار عراق در جنگ نامید. در ضمن یادآور شد که موشکهای زمین به زمین ایران توانایی آن را دارند که به هر هدفی در کویت اصابت کنند.^{۱۱}

روز بعد، مینه‌های بیشتری در ناحیه جنوبی محل حادثه بریجتون دیده شد و در ۲۷ ماه جولای، هفت عدد دیگر از مینه‌های روسی ساخت کره شمالی کشف شدند. این موضوع باعث شد تا سراسر دنیا متوجه شود که امریکا برای مواجهه

مناطق دیگر توجه داشت؛ موضوعی که در ساعت ۶:۳۰ صبح ۲۴ ماه جولای، هنگامی که نفت کش بریجتون در ۲۷°۵۸ شمالی و ۴۹°۵۰ شرقی با یک مین برخورد کرد، آشکار شد. این نقطه درست در هجده مایلی پایگاه نیروی دریایی سپاه در جزیره فارسی قرار داشت. محل اصابت مین به بریجتون حدوداً، در هشتاد مایلی جنوب شرقی مسیر منتهی به بندر الاحمدی بود که بین ۱۶ ماه می تا ۱۹ ماه ژوئن چهار مورد برخورد به مین در آنجا گزارش شده بود.

قرار بر این بود که از میان یازده نفت کش پرچم‌گذاری شده، تنها بریجتون نفت خام حمل کند؛ بنابراین، هنگامی که مین به مخزن شماره ۱ آن اصابت و حفره بزرگی در بدنه آن ایجاد کرد، نفت ۴ قسمت از ۳۱ قسمت آن به بیرون نشت نمود. در این هنگام، از ناوگان اسکورت خواسته شد تا سرعت خود را از شانزده گره به پنج گره کاهش دهد و از کشتیهای جنگی نیز درخواست شد تا به دنبال بریجتون حرکت کنند. این نفت کش آن چنان بزرگ بود که حتی در صورت برخورد با یک مین دیگر نیز با مشکلی اساسی روبه‌رو نمی‌شد. در آن هنگام، تنها کاری که از کشتیهای جنگی برمی‌آمد، این بود که مین‌یابهای خود را به کار بیندازند و تیراندازیشان را در عرشه مستقر کنند تا مینه‌ها را هدف قرار دهند.

در این هنگام، دولت امریکا اعلام کرد که ناوگان اسکورت قسمت خطرناک مسیر خود را طی کرده است؛ موضوعی که در پی آن، حمله ایران اهمیت بیشتری یافت. یک روز پیش از این تاریخ، دریادار دوم هارولد برنسن^(۱) گفته بود: «تا به حال، اوضاع همان‌طور که فکر می‌کردم - آرام و بدون ایجاد درگیری از سوی ایران - پیش رفته است». وی در ادامه افزوده بود: «ایران به دلیل هفت سال جنگ تضعیف شده است... نیروی هوایی و دریایی ایران قوی نیستند و به نفعشان است که نیروهای خود را در رویارویی

(1) Gas Prince (2) Harold Bernsen



این سیاست را با موفقیت اجرا کرده بود؛ بنابراین، مایل نبود به دلیل همکاری با آمریکا، زمینه حمله ایران به کشتیهایش را فراهم آورد. همچنین، از آنجا که برخی از کارشناسان انگلستان احساس کردند این کشور به سوی جنگ دریایی تمام عیار و بی‌پایانی با ایران کشیده خواهد شد، دولت انگلستان پاسخ به درخواست کمک از سوی آمریکا را به تأخیر انداخت، هر چند فوراً و به طور رسمی آن را رد نکرد.^{۱۵}

به رغم آنکه سیاست دیرین فرانسه نیز بر این نکته مبتنی بود که از پذیرش هرگونه نقش نظامی که این کشور را زیر فرمان مستقیم آمریکا قرار دهد، خودداری کند، اما کشور مزبور سه هزار نفر نیروی ویژه به همراه ناو هواپیمابر کلمانسو و دو ناوشکن و یک کشتی تدارکاتی را برای تقویت واحدهای خود در اقیانوس هند به منطقه فرستاد؛^{۱۶} اقداماتی که در واکنش به رویارویی روزافزون این کشور با ایران انجام شد. سفارت ایران در پاریس به وحید گرجی، که به عنوان یک مترجم کار می‌کرد، پناه داده بود، ولی فرانسه مدعی بود که وی به اقدامات تروریستی دست زده و در چندین مورد بمب‌گذاری و ترور در فرانسه دست داشت، در نتیجه، مصونیت دیپلماتیک ندارد.^{۱۷}

در مقابل این ادعا، ایران از تحویل دادن گرجی برای بازجویی خودداری کرد و در اقدام تلافی‌جویانه‌ای، یک دیپلمات فرانسوی را به جاسوسی متهم و سپس، درخواست کرد تا وی خود را به زندان اوین تهران معرفی کند. تا ۳ ماه جولای، سفارت فرانسه در تهران تحت محاصره بود. در مقابل، پلیس فرانسه نیز با محاصره سفارت ایران در پاریس نسبت به اقدام تلافی‌جویانه این کشور واکنش نشان داد.

در مقابل، در ۱۳ ماه جولای، ایران به یک کشتی باری فرانسه حمله کرد و به فرانسه در مورد رفتارش با دیپلماتهای ایران هشدار داد. همچنین، در ۱۶ همین ماه، تهدید کرد که روابط خود را با فرانسه قطع خواهد کرد، مگر اینکه طی سه

پرچم آمریکا برای نخستین بار در ۲۱ ماه جولای سال ۱۹۸۷ بر فراز نفت کشتی‌های کویتی به اهتزاز درآمد و بدین ترتیب، عملیات اسکورت با نام عملیات اراده آهنین آغاز شد

با این مینها هیچ‌گونه طرح احتمالی و فوری‌ای نداشته است؛ موضوعی که پیروزی ایران و موقعیت طرفداران ادامه جنگ در این کشور را بیش از پیش تثبیت کرد. [امام] خمینی در ۲۸ ماه جولای اظهار کرد تا زمانی که صدام حسین قدرت را در دست دارد، این جنگ پایان نمی‌یابد.^{۱۲}

در این زمان، مهم‌ترین اقدامی که آمریکا می‌توانست، انجام دهد، این بود که هشت فروند بالگرد آر.اچ-۵۳ را با هواپیما به دیوگو گارسیا^(۱) منتقل کند و کشتی آمریکایی آبی‌خاکی گوادالکانال^(۲) را آماده نماید تا چهار فروند از آنها را در خلیج فارس به کار گیرد.^{۱۳} باید یادآور شد که کشتی گوادالکانال در اقیانوس هند فعال بود و می‌توانست به سرعت به خلیج فارس فرستاده شود، اما در آن زمان، لازم بود تا برای مقابله با خطر مین‌تجهیز و سازماندهی شود. آمریکا برای تسریع عملیات اسکورت باید کشتی آبی‌خاکی دیگری به نام رالی^(۳) را با چهار مین‌روب تجهیز می‌کرد و این به معنای آن بود که رسیدن آنها به خلیج فارس حدود یکماه طول می‌کشید.^{۱۴}

واکنش اولیه اروپا در برابر حادثه بریجتون

تلاش آمریکا برای جلب حمایت اروپا در آغاز نتایج مختلفی داشت. در این راستا، هر چند دولت هلند موافقت خود را اعلام کرد، اما در اعزام عملی نیرو با محدودیتهای سیاسی داخلی شدیدی روبه‌رو شد؛ بنابراین، ترجیح داد تا در قالب اتحادیه اروپای غربی عمل کند. بدین ترتیب، آموزش و اجاره یا فروش مین‌روبهای خود را به کویت پیشنهاد کرد.

هرچند انگلستان ۲۵ مین یاب و ۱۷ مین روب داشت، اما تنها ۲۰ درصد از کشتیهای جنگی فعال خود را در خلیج فارس و اقیانوس هند مستقر کرده بود. همچنین، این کشور سیاست آرام و کم‌رنگی را در زمینه حضور کشتیهایش در خلیج فارس در پیش گرفته بود و از زمان افزایش تعداد حملات ایران در سال ۱۹۸۶، با ۱۶۰ فروند کشتی در منطقه

(1) Diego Garcia (2) Guadalcanal (3) Raleigh

ماه جولای، هفده بار به هواپیماهای آمریکایی اجازه داده بود تا از خاک این کشور به پرواز درآیند، اما یادآور می‌شد که از ارائه پایگاهی رسمی - به دلایلی که پیش از این گفته شد - معذور است؛ موضوعی که ولیعهد این کشور موافقت کرده بود تا آن را بررسی کند، اما آشکار بود که کویت نمی‌خواست آمریکا در خاک این کشور رسماً پایگاه داشته باشد؛ چرا که کشورهای همسایه فشار در خور توجهی را برای خودداری این کشور از چنین اقدامی بر آن وارد می‌آوردند. همچنین، آمریکا نیز نمی‌خواست به طور ضمنی، به حمایت از سرزمین کویت متعهد شود.

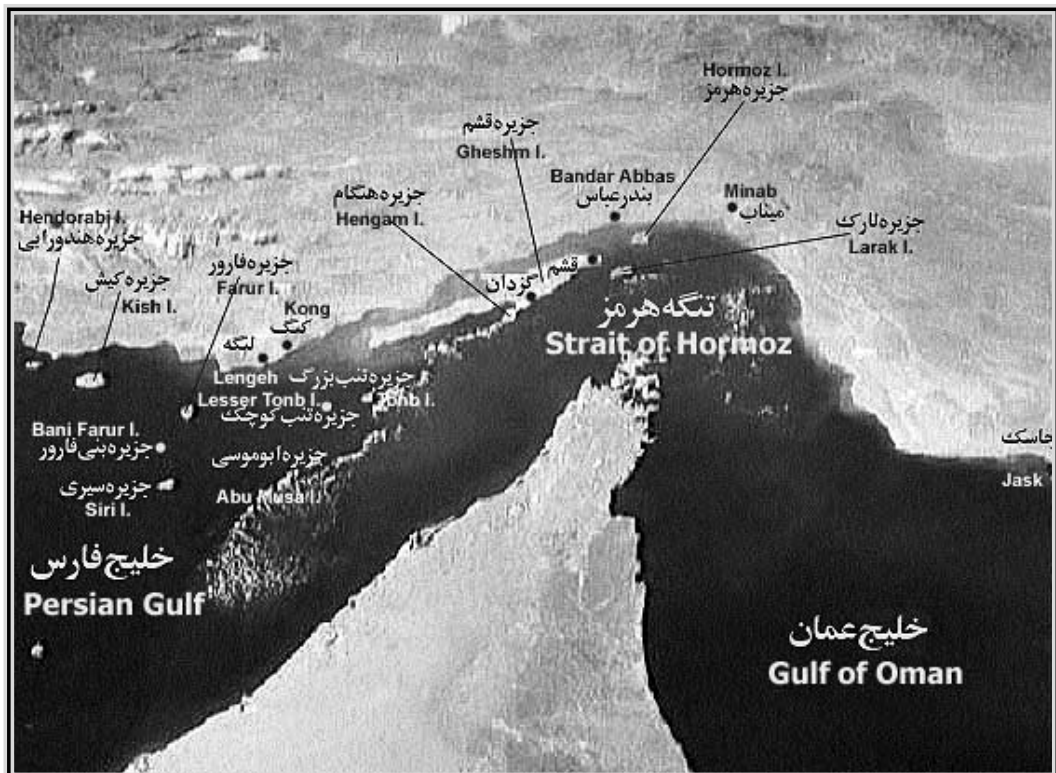
هر چند بحرین و عربستان نیز مایل بودند از هر نظر، حمایت مورد نیاز آمریکا را فراهم آورند، اما با دادن پایگاه رسمی که از سوی مقامات آمریکا درخواست می‌شد، مخالف بودند. در واقع، آنها احساس می‌کردند که باید اقدامات نظامی خود را کمتر بروز دهند، در حالی که سیاست داخلی آمریکا ایجاب می‌کرد که تمامی اقدامات بدون پرده پوشی انجام شود؛ بنابراین، وزیر دفاع این کشور در صدد کسب موافقت برای استفاده از پایگاههای رسمی بود.^{۱۹}

سرانجام، این تلاشها باعث شد تا کویت سه کشتی بزرگ را که قرار بود در آبهای بین‌المللی خلیج فارس در

روز، پلیس این کشور به محاصره سفارت ایران در پاریس پایان دهد. افزون بر این تهدیدها، سلسله تهدیدهای غیر مستقیمی نیز علیه گروگانهای فرانسوی در لبنان مطرح شد. فرانسه با قطع روابط دیپلماتیک با ایران، نسبت به اقدامات و تهدیدهای این کشور، واکنش نشان داد و همچنان، هر دو سفارت در محاصره نیروهای امنیتی باقی ماندند. البته، در این میان، فرانسه کوشید تا با برقراری روابط موقت با ایران، گروگانهای خود را از خطر کشته شدن نجات دهد. همچنین، این کشور در حالی که به مذاکرات خود با ایران ادامه می‌داد، دو ناوچه مجهز به موشکهای اگزوسه را نیز به خلیج فارس اعزام کرد و در ۲۰ ماه جولای، به کشتیهایش هشدار داد تا خلیج فارس را ترک کنند و پس از تلاشهای متعدد برای مذاکره در زمینه موضوع سفارتخانه‌ها ناو هواپیمابر خود را به خلیج فارس فرستاد.^{۱۸}

حمایت دولتهای جنوب خلیج فارس از آمریکا

امریکا در دست‌یابی به پایگاههای لازم برای استقرار بالگردها، واحدهای نیروی ویژه و دیگر عناصر در خلیج فارس با مشکل روبه‌رو بود. هرچند کویت برای گروه کوچک مین‌روب آمریکایی تسهیلاتی را فراهم آورده و در



نزدیکی جزیره فارسی، لنگر بیندازند، اجاره کند. همچنین، بحرین و عربستان نیز موافقت کردند تا پشتیبانی لازم را از آنها به عمل آورند. این کشتیها مشکلات ذاتی یک پایگاه رزمی در خاک عربستان یا بحرین را نداشتند و برای امریکا

کشورهای خلیج فارس پایگاههای کوچکی در این سکوها ایجاد کرد.

آشوب در مکه

به زودی معلوم شد که عربستان و کویت باید به دلایل زیادی کمک خود را به امریکا آشکار کنند. البته، باید یادآور شد عملکرد ایران نیز در این موضوع مؤثر بود؛ چرا که در ۳۱ ماه جولای، در زمان مراسم حج، ۷۰ هزار نفر از ۱۵۷ هزار زائر ایرانی - که در مقایسه با زائران کشورهای دیگر بزرگترین گروه بودند، از ساعت ۱۴:۰۰ بعدازظهر در خیابانهای مکه به حرکت در آمدند. قرار بود آنها ساعت ۱۶:۳۰، تجمع بزرگی را تشکیل دهند، همان طور که سالهای پیش نیز چنین تظاهراتهایی را ترتیب داده بودند. آنها کم کم به سوی مسجد اعظم پیش رفتند و حدود ساعت ۱۸:۳۰ به خط امنیتی ورودی مسجد رسیدند. در این هنگام، گارد امنیتی و گارد ملی عربستان برای متفرق کردن حجاج از گاز اشک آور و تمهیدات دیگر استفاده کردند. حمله گارد امنیتی در محوطه پر ازدحام این مسجد ۴۰۲ کشته و ۶۴۹ زخمی به جا گذاشت که ۳۰۳ نفر از کشته شدگان ایرانی بودند. همچنین، ۸۵ نفر از مأموران عربستان، ۶۰ نفر از شهروندان عربستان و ۲۰۱ نفر از دیگر ملیتها نیز در جریان این حادثه، کشته و زخمی شدند [...]. رفسنجانی، رئیس مجلس ایران، در واکنش نسبت به حوادث مکه گفت: «ما به عنوان لشکر خدا و مجریان قوانین الهی، ریشه حاکمان سعودی را از منطقه بر خواهیم کند و انتقام این شهدا را خواهیم گرفت».

در پی حادثه مزبور، گروههای ایرانی چهار سفارتخانه از جمله سفارتخانه های کویت و عربستان را در تهران هدف حمله قرار دادند. ایران ادعای کرد مدارکی دال بر جاسوسی کویتها در دست دارد. در این جریانها یک وابسته سیاسی عربستان نیز به نام موسعید قمادی^(۱) در اثر سقوط از پنجره طبقه دوم ساختمان سفارت کشته شد. همچنین، دو مورد حمله با بمب علیه تأسیسات دیپلماتیک عربستان در بیروت صورت گرفت و محاصره سفارت عربستان در تهران تا زمانی که عربستان حجت الاسلام کروبی، سرپرست زائران ایرانی در مکه و شش نفر از همکاران او را آزاد نکرد و اجازه پرواز به تهران را به آنها نداد، ادامه یافت.^(۲) [امام] خمینی امریکا را مسئول این حادثه دانست و گفت: «ما امریکا را مسئول تمام این جنایتها می دانیم... و ان شاء الله با آن مقابله خواهیم کرد و نسل فرزندان آبراهام را بر خواهیم کند».^(۳)

روند تصاعدی جنگ نفت کشتها از ادامه جنگ متأثر می شد و مرحله بعدی این تصاعد گسترش جنگ به دریای عمان بود

نیز این امکان را فراهم می آوردند تا حملات، شناسایی، جنگ با مین از طریق بالگردها را از آنجا هدایت و رادارها، حسگرهای اطلاعاتی و تجهیزات جنگ الکترونیکی را در آنجا مستقر کند.

اطراف این کشتیها که با موشکهای استینگر و سیستم دفاع ضد موشکی فالانکس حمایت می شدند، سنگربندی و داخل آنها، به قسمتهای متفاوت تقسیم شده بود تا در صورت حمله موشکی یا هوایی، آسیب کمتری را متحمل شوند. امریکا یکی از این کشتیها را به منزله سکوی تمرین انتخاب کرد؛ چرا که تنها بیست مایل با جزیره فارسی فاصله داشت و این کشور می توانست به طور پیوسته، فعالیتهای ایران را در این جزیره از کشتی مزبور که حالا دیگر هرکولس^(۱) نامیده می شد، تحت نظر داشته باشد. این اقدام آنچنان موفقیت آمیز بود که امریکا به فکر افتاد این تجربه را یکبار دیگر در نزدیکی پایگاه قایقهای تندروی نیروی دریایی سپاه ایران در جزیره ابوموسی نیز تکرار کند.^(۲)

عربستان سعودی نیز موافقت کرد تا استفاده از چهار مین روب خود را گسترش دهد. بدین ترتیب، بعد از حادثه بریجتون مینهای دیگری نیز کشف شدند، اما این کشور نمی توانست نیروی دریایی محدود خود را به طور کامل به حمایت از رفت و آمد کشتیها به کویت اختصاص دهد؛ زیرا، خود نیز در معرض خطر قرار داشت و تنها به صورت غیر علنی پذیرفت که سوخت هواپیماها و کشتیها را تأمین کند و به هواپیماهای به پرواز درآمده از ناوهای امریکا اجازه فرود اضطراری و سوخت گیری بدهد. بحرین نیز عملاً، با ایجاد پایگاههای امریکا موافقت کرد. طبق این توافق، امریکا سکوهای بزرگی را که برای مقاصد نفتی از آنها استفاده می شد، از بحرین اجاره کرد و بدون استفاده رسمی از قلمرو

(1)Hercules (2)Mussaid Ghamadi

اف- ۱۵ برای جبران خسارت‌های نیروی هوایی عربستان؛ بهبود و تبدیل هواپیماهای اف-۱۵ موجود در نیروی هوایی این کشور به گونه ام-اس-آی-پی، ۱۶۰۰ فروند موشک ماوریک، که از ۱۱ ماه ژوئن سال ۱۹۸۷ فروش آنها به طور

حمله گارد امنیتی عربستان سعودی در محوطه پر ازدحام مسجد الحرام ۴۰۲ کشته و ۶۴۹ زخمی به جا گذاشت که ۳۰۳ نفر از کشته شدگان ایرانی بودند

موقت قطع شده بود؛ موشک‌های پیشرفته هوا به سطح ام-۶۰ و وسایل پشتیبانی توپخانه و زرهی را شامل می‌شد.^{۲۵} در این میان، احتمالاً، شوروی تنها کشوری بود که به طور مستقیم از حوادث مکه سود می‌برد. طی ماه‌های ژوئن و جولای، شوروی از مواضع عراق و عرب‌ها حمایت کرد و آشکارا، به عراق سلاح‌های بیشتری فروخت و ایران را به دلیل ادامه جنگ تقبیح کرد. همچنین، امریکا را به دلیل افزایش منازعه در خلیج فارس مورد انتقاد قرار داد و ابراز نمود که کشتی‌های پرچم‌گذاری شده را اسکورت نخواهد کرد، در ضمن، طرح اسکورت امریکا را رد و اعلام نمود تنها در صورت خروج امریکا از خلیج فارس، از این منطقه خارج خواهد شد.

تصادف مداوم منازعه بین ایران و امریکا

طی ماه بعد از آن، تنش میان ایران و امریکا به تدریج افزایش یافت. اساساً، هر هفته ایران درصدد بود تا به طور غیرمستقیم، به امریکا ضربه بزند. برای نمونه، به هر وسیله ممکن به کشتی رانی در خلیج فارس حمله می‌کرد تا امریکا را به عقب نشینی وا دارد. در ضمن، هم‌زمان با این تلاش‌ها، تشدید فشار نظامی و سیاسی به عربستان و کویت را نیز همچنان، ادامه می‌داد. همچنین، کوشید تا از تأثیر طرح پیشنهادی آتش بس سازمان ملل بکاهد، هر چند این اقدامات نظامی در خلیج فارس دوری بیشتر کشورهای اروپایی از ایران و نیز خودداری جمهوری خلق چین از برقراری روابط آشکار با این کشور را باعث شد.

امریکا به تدریج، توان نظامی‌اش را افزایش و تمایل بیشتری برای مقابله با ایران از خود نشان داد، نخستین گام

اما نتایج اقدامات ایران با انتظارات این کشور کاملاً مغایر بود؛ زیرا، به رغم اینکه ایران هفت هیئت برای تشریح مواضع خود به کشورهای اسلامی دیگر فرستاده بود، تمامی دولت‌های عرب، به جز لیبی از عربستان حمایت کردند. البته، عربستان تمامی زائران ایرانی را اخراج نکرد و تنها تدابیر امنیتی را در مکان‌های مقدس و تأسیسات نفتی استان شرقی خود تشدید کرد.

در داخل عربستان، شیعیان استان شرقی این کشور اعتراض درخور توجهی را که نشان دهنده ضعف داخلی یا حمایت از رژیم [امام] خمینی باشد، از خود نشان ندادند، هر چند آنها (این شیعیان) ۱۵-۲۵ درصد از جمعیت ۷۵ میلیونی این استان را تشکیل می‌دهند و بخش عمده‌ای از نیروی کار در میدان‌های نفتی می‌باشند.^{۲۳} خانواده سلطنتی سعودی بعد از مشکلاتی جدی در اواخر دهه ۷۰، کوشید تا حمایت شیعیان را جلب کند. در پی این تلاش‌ها، حاکمان اصلاح طلب - مانند محمدبن فهد - روی کار آمدند و اصلاحاتی اعمال شد که در نتیجه آنها، تش‌های جدی شیعه - سنی در منطقه کاهش یافت.^{۲۴}

سی تن از افراد خانواده سلطنتی عربستان، که در ایران بودند، برای رهایی از احتمال به گروگان گرفته شدن به اتهام تروریسم، از این کشور فرار کردند. این عملکرد ایران دست کم این نتیجه را داشت که عربستان سعودی به سرعت موضع قطعی و مشخصی را در زمینه مخالفت با ایران در پیش گرفت. مقامات دیپلماتیک عربستان و اعضای خانواده سلطنتی به طور آشکارا اعلام کردند که در برابر فشارهای ایران مقاومت خواهند کرد و در صورت نیاز، به زور متوسل خواهند شد.

همچنین، عربستان سعودی همکاری نظامی مستقیم و جامعی را با امریکا آغاز کرد که حمایت از عملیات بالگردهای مین روب سی استالیون^(۱) امریکا را در برمی‌گرفت. محدودیت‌های عربستان در این همکاری باعث شد تا به امریکا اجازه ندهد که پایگاهی رسمی در این کشور احداث کند و بدین ترتیب، مانع از آشکار شدن عمق همکاری‌اش با امریکا بشود.

از سوی دیگر، آشوب‌های موجود باعث شد تا دولت ریگان که خواهان برقراری روابط مستحکم‌تر بین امریکا و عربستان بود، موضوع فروش سلاح به این پادشاهی را مجدداً مطرح کند؛ بنابراین، در اواسط ماه اوت، منابع اطلاعاتی دولت ریگان اجازه دادند تا این خبر منتشر شود که دولت قصد دارد کنگره را از فروش سلاح به عربستان در ماه‌های سپتامبر و اکتبر مطلع کند. این فروش هواپیماهای

(1) Sea Stallion

هدف را دنبال می‌کرد، اما از آنجا که این موشک نیز با حداقل بردش شلیک شده بود این فرصت را به خلبان ایرانی داد تا با یک مانور از موشک دور شود، این موشک نمی‌توانست سریعاً دور زده و هواپیما را تعقیب کند. هنگامی که خلبان ایرانی بازگشت، جنگنده‌های امریکا آن را تعقیب نکردند. تمامی این رویارویی از طریق رادار قابل مشاهده بود؛ زیرا، آنها در فاصله‌ای بیش از هشت مایل نمی‌توانستند یکدیگر را ببینند و در فاصله پنج تا بیست مایلی و در ارتفاع حداقل ده هزار پایی می‌توانستند روی هم قفل کنند. در این میان، آواکسهای ای-۳-آی اطلاعات لازم را برای مقابله با هواپیماهای ایرانی و ارائه مسیر حرکت هواپیماهای اف-۱۴ امریکا فراهم می‌کردند.^{۲۷}

این روند تصاعدی در ۴ ماه اوت برداشته شد؛ زمانی که ایران با سر و صدای فراوان برگذاری مانور دریایی شهادت را اعلام کرد. این مانور از نظر زمانی و مکانی به گونه‌ای طراحی شده بود که با عملیات اسکورت امریکا در تداخل بود. در واقع، مانور مزبور، توان دریایی سپاه، یک قایق تندرو کنترل از راه دور پر از مواد منفجره و وجود یک زیردریایی کوچک را به نمایش می‌گذاشت.

در ۶ ماه اوت، فرانسه اعلام کرد که واردات نفت ایران به این کشور ممنوع است؛ اقدامی که هر چند بر درآمد ایران تأثیری نداشت و این کشور می‌توانست خریداران دیگری پیدا کند، اما از این نظر که در اوایل سال ۱۹۸۶، هشتمین تأمین‌کننده نفت فرانسه بود و در ژوئن این سال، بالاترین

طی جنگ نفت کشها، انگلستان سیاست آرام و کم‌رنگی در زمینه حضور کشتیهایش در خلیج فارس در پیش گرفته بود، این کشور با ۱۶۰ فروند کشتی در منطقه، این سیاست را با موفقیت اجرا کرده بود؛ بنابراین، مایل نبود به دلیل همکاری با امریکا، زمینه حمله ایران به کشتیهایش را فراهم آورد

در این هنگام، ناو امریکایی گوادال کانال^(۱) بعد از توقف در دیه گوگاریسیا و سوار کردن بالگردهای سی استالیون آر-۳-۵۳-دی به خلیج فارس وارد شد. این کشتی، نه تنها امکانات پیشرفته مقابله با مین را برای امریکا فراهم می‌کرد، بلکه یک یگان موشکی استینگر و بالگردهای تهاجمی بل^(۲) (UH-1N / AH-1T) حامل موشکهای تاو را نیز برای تأمین دفاع هوایی حمل می‌کرد؛ موضوعی که باعث شد تا توان امریکا برای ضربه زدن به شناورهای کوچک و عملیات نیروی دریایی سپاه ایران افزایش یابد. سپس، کشتی جنگی میسوری^(۳) و ناوشکن آگیس^(۴) و رالی نیز به منطقه وارد شدند که ناوشکن رالی حامل چهار قایق گشت ۶۵ پایی بود و نیروهای ویژه سیل^(۵) از آنها استفاده می‌کردند. البته، آنها به توپهای ضدهوایی بیست و چهار میلیمتری نیز مجهز بودند. از سوی دیگر، یک واحد شناسایی با بالگردهای ضدحمله و بالگردهای شناسایی نیز در راه رسیدن به منطقه بودند. طرح امریکا این بود که تا اوایل ماه سپتامبر مجموع کشتیهایش را در خلیج فارس به ۳۱ فروند شناور و کشتی برساند و کادر نیروی دریایی اش را به بیش از ۲۵ هزار نفر افزایش دهد؛ تعدادی که در زمان گروگان‌گیری ایران، ۲۷ فروند بود.

تأمین‌کننده نفت این کشور محسوب می‌شد و ۵/۳ میلیون بشکه از کل ۳۵/۶ میلیون بشکه نفت خریداری شده فرانسه را تأمین می‌کرد، تأثیر بسزایی بر درآمد ایران داشت. اقدام دیگر فرانسه تشویق امریکا برای اعمال تحریمی مشابه بود. در واقع، صادرات کالاهای امریکایی به ایران در سال ۱۹۸۶ تنها ارزشی معادل ۳۴ میلیون دلار داشت، اما واردات این کشور از ایران معادل ۶۱۲ میلیون دلار بود که ۴۶۰ میلیون دلار آن را نفت تشکیل می‌داد؛ میزانی که در پنج ماه نخست سال ۱۹۸۷، ارزش واردات نفت آن به ۴۱۷۵ میلیون دلار رسید.^{۲۶}

در ۸ ماه اوت، دو فروند هواپیماهای اف-۱۴ امریکا از ناو هواپیمابر کانتلیشن با یک فروند هواپیماهای اف-۴ ایران که به نظر می‌رسید بدون توجه به هشدارهای داده شده روی هواپیماهای گشت دریایی پی-۳-سی امریکا قفل کرده بود، درگیر شدند. به رغم اینکه هواپیماهای اف-۱۴ امریکایی مستقیماً، روی جنگنده ایران قفل کرده بودند و مکرراً به آن اختطار می‌دادند، اما جنگنده مزبور بدون توجه به اختطارها، به محدوده تهدید^(۱) هواپیماهای پی-۳-سی نزدیک می‌شد. در این هنگام، یکی از هواپیماهای اف-۱۴ ایی یک موشک AIM-7 F را شلیک نمود، اما موتور آن عمل نکرد. سپس، این هواپیما موشک AIM-7 M را شلیک نمود، که در آغاز

(1)Threatning range (2)U.S.S.Guadalcanal (3)Bell (4)U.S.S. Missouri (5)Aegis (6)SEAL

ورود نیروهای انگلستان و فرانسه به خلیج فارس

در ۱۰ ماه اوت، یک فروند نفت کش ۱۱۷/۲۰۰ تنی امریکایی به ثبت رسیده در پاناما به نام تکزاکوکارین^(۱) در آبهای ساحلی فجیره در هشتاد مایلی جنوب تنگه هرمز و دریای عمان با مین برخورد کرد. این ششمین نفت کشی بود که طی سه ماه اخیر، با مین برخورد می کرد، اما نخستین موردی بود که در خارج از خلیج فارس مورد اصابت قرار می گرفت.^{۲۸}

در همان زمان، دومین کاروان تحت اسکورت امریکا به دلیل کشف مینهای متعدد در منطقه، برای مدت کوتاهی در بحرین توقف کرد، اما به زودی، به راه خود ادامه داد و

نفت کش بریجتون نیز مورد استفاده قرار گرفته بودند. این مین ریزی بازتاب بین المللی گسترده ای داشت؛ زیرا، عملیات مین ریزی در منطقه پاک سازی شده خارج از خلیج فارس صورت گرفته بود. منطقه ای که تمامی نفت کشتیهای که می خواستند به منطقه وارد شوند، پیش از ورود به تنگه هرمز، در آنجا منتظر می ماندند. هر چند رفسنجانی در پاسخ بدین اتهام گفت: «این مینها اگر از سوی عراق کار گذاشته نشده باشد، حتماً، از سوی امریکا و همدستانش کار گذاشته شده است». همچنین، اعلام کرد که نیروی دریایی ایران برای پاک سازی منطقه از مین اعزام شده است، با این حال، به نظر می آید ایران مسئول این مین گذاریها بوده



است.^{۳۰}

جدا از محاسبات ایران برای گسترش عملیات مین گذاری به خارج از خلیج فارس، پیش بینیهای این کشور در زمینه واکنش دولتهای بزرگ اروپایی تحقق نیافت. اقدامات ایران علیه ناوگان عملیات اسکورت امریکا از حملات محدود بسیار فراتر بود؛ چرا که منطقه جنگی را وسعت داده بود و اقداماتش تمامی کشتیهای را که از خلیج فارس می گذشتند، تهدید می کردند. شاید علت عملکرد این کشور عدم موفقیت اتحادیه اروپای غربی در راه دست یابی به راهکار و توافق مشخصی بود، شاید هم این سوء تفاهم برای ایران پیش آمده بود که تقاضای کمک جولیو آندروتوتی،^(۲)

بدون هیچ حادثه ای به بندر رسید. البته، باید یادآور شد که در طول این مسیر، یک فروند مین روب عربستان پیشاپیش این کاروان و یک فروند کشتی تدارکاتی کرایه ای مجهز به دستگاه صوتی بلافاصله بعد از آن حرکت می کرد. نکته درخور توجه آنکه، این کاروان، تنها تعداد اندکی از ۶۸ فروند نفت کشی را در بر می گرفت که به آبهای خلیج فارس وارد می شدند و حامل ۱۴/۳۷ میلیون تن نفت بودند. از میان ۳۳۰ فروند کشتی ای که از آغاز جنگ مورد حمله قرار گرفته بودند، تنها سه مورد حمله علیه ناوگان کویت صورت گرفته بود که ۲۲ فروند کشتی را شامل می شد.^{۲۹} روز بعد، پنج مین دیگر در نزدیکی فجیره کشف شدند. این مینها از نوع مینهای ساخت شوروی بودند که علیه

(1)Texaco Caribben (2)Giulio Andreotti

نخست وزیر ایتالیا، از سازمان ملل برای در اختیار گذاشتن یک نیروی کارشناس مین، در اثر عجز و درماندگی اروپا بوده است. در واقع، دولتهای بزرگ اروپا می‌کوشیدند تصمیمها و عملکردهای خود را به صورت جمعی باشد تا ایران نتواند از جدایی‌شان سوء استفاده کند و آنها را هدف حملات سیاسی خود قرار دهد.

هنگامی که ایران توجه خود را به دریای عمان معطوف کرد، انگلستان و فرانسه فرصت را از دست ندادند و برای حمایت از منافع خود وارد عمل شدند. در این راستا، آنها تصمیم گرفتند بلافاصله، کشتیهای مین روبرو را به خلیج فارس وارد کنند؛ اقدامی که نه به دلیل توجه رسمی به گفته‌های آمریکا، بلکه در راستای منافع ملی دو کشور مبرور انجام شد. در واقع، واینبرگر تاحدی از این موضوع تعجب زده شد. وی خواستار همکاری یک نیروی مین روبرو بین المللی شده بود و قطعاً نمی‌دانست فرانسه و انگلستان در صدد انجام چه اقدامی هستند. همچنین، این دو کشور، تنها یک هفته پیش از این، تقاضای رسمی فرانک کارلوچی، مشاور امنیت ملی ریگان، رئیس‌جمهور آمریکا را رد کرده بودند؛ چرا که انگلستان احساس می‌کرد آمریکا این کشور را درگیر تلاش و دردسر بزرگی خواهد کرد، ضمن آنکه جنگ را نیز شدت خواهد بخشید. فرانسه نیز به دلایل مشابه بیشتر کشتیهای خود را خارج از خلیج فارس نگه داشته بود، هر چند یک ناوشکن، سه ناوچه و یک کشتی پشتیبانی این کشور هنوز در آبهای خلیج فارس حضور داشتند.

انگلستان، تنها یازده روز پس از رد تقاضای کمک آمریکا، اعلام کرد که قصد دارد چهار فروند مین روبرو ۶۱۵ تنی خود را به خلیج فارس بفرستد تا به یک فروند ناوشکن، دو ناوچه و یک فروند کشتی پشتیبانی این کشور در گروه گشت آر میلا^(۱) ملحق شوند. همچنین، قصد همکاری خود را با آمریکا آشکارا اعلام نمود و یک مقام ارشد این کشور دربارهٔ تلاشهایی برای ایجاد نوعی نیروی ویژه از سوی سازمان ملل یا اتحادیه کشورهای اروپای غربی صحبت کرد. فرانسه نیز اعلام نمود که سه فروند کشتی مین روبرو و یک فروند کشتی پشتیبانی را برای تأمین امنیت معبرهای خلیج فارس به این منطقه خواهد فرستاد تا به ناو هواپیمابر کلمانسو، دو فروند ناوشکن و یک فروند کشتی پشتیبانی این کشور در خارج از آبهای خلیج فارس بپیوندند.

اما این گفته‌ها به معنای آمادگی فوری نیروی نظامی این کشورها نبود؛ زیرا، پنج هفته طول می‌کشید تا کشتیهای مین روبرو انگلستان خود را به خلیج فارس برسانند و کشتیهای

فرانسوی نیز برای رسیدن به این منطقه سیزده روز در راه بودند. اعزام ناوگان کشورهای اروپایی به منطقه نشان می‌داد که ایران همچنان موجب شده بود تا همکاری عملی بین آمریکا و اروپا تداوم داشته باشد. همچنین، مقامات ایران حادثهٔ بمب‌گذاری در یک کامیون در لبنان در سال ۱۹۸۳ را مکرراً یادآوری می‌کردند و به فرانسه و انگلستان هشدار می‌دادند که کاری نکنید حادثهٔ لبنان که به فرارتان از لبنان منجر شد، تکرار شود.^(۲) از سوی دیگر، سر سختی ایران و اقدامات یکجانبه انگلستان و فرانسه باعث شد تا بلژیک، ایتالیا و هلند نیز نتوانند بیش از این منتظر یک اقدام بین‌المللی بمانند؛ بنابراین، هر یک از آنها طرحهایی را برای ارسال احتمالی جنگ افزارهای ویژه جنگ مین و گروههای کمکی نظامی تهیه کردند.

ایران و عربستان سعودی

پیشرفت اقدامات سازمان ملل در زمینهٔ برقراری صلح از پیشرفت روند جنگ بسیار کندتر بود. در ۱۱ ماه اوت، علی اکبر ولایتی، وزیر امور خارجهٔ ایران، طی پاسخی به دبیر کل سازمان ملل، قطع‌نامهٔ این سازمان را غیرمنطقی، غیرمتوازن و غیر عملی خواند، هر چند پیش‌قدمی سازمان ملل را رد نکرد.^(۳) از سوی دیگر، عراق همچنان، به تأسیسات نفتی ایران حمله می‌کرد و این کشور نیز همچنان، بصره را هدف حمله قرار می‌داد، ضمن آنکه جنگ نفت‌کشها را گسترش داده و به اهدافی در جنوب خلیج فارس حمله کرده بود.

در ۱۳ ماه اوت سال ۱۹۸۷ یک کشتی گارد ساحلی عربستان با مین برخورد کرد و سپس، در ۱۵ همین ماه نیز، یک کشتی پشتیبانی کوچک در آبهای ساحلی بندر فجیره منفجر شد. این دومین حمله در دریای عمان بود و زنگ خطری برای شصت کشتی موجود در منطقه محسوب می‌شد تا با فاصلهٔ حداقل ده کیلومتر از این بندر حرکت کنند. در همان روز، دو انفجار مهیب، تأسیسات نفتی آرامکور^(۴) را در جعیمه^(۵) عربستان لرزاند، این انفجارها به حدی مهیب بود که صدایشان در بحرین نیز شنیده شد و آتش ناشی از آنها دوازده ساعت بعد از حادثه نیز شعله‌ور بود.

هر چند عربستان، تنها خبر یک آتش‌سوزی کوچک را منتشر کرد، اما این ادعا بیشتر به دلیل کاستن از شدت تنش در منطقه بود. به نظر می‌رسید که علت واقعی حادثه،

(1) Armilla Patrol (2) Aramco (3) Guyamah

پیش گرفتن رویکرد سیاسی مؤثری برای جلب حمایت کنگره ناتوان و عاجز دید. در نتیجه، مخالفان برقراری روابط نزدیک نظامی بین آمریکا و عربستان سعودی فرصت یافتند تا پیش از دولت، علیه فروش سلاح لابیگری کنند؛ بنابراین، دولت نتوانست جزئیات همکاریهای آمریکا و عربستان و دلایل منطقی خود را برای فروش اسلحه به عربستان به کنگره اعلام کند و بدین ترتیب، مخالفان فروش سلاح توانستند پیش از دولت، حمایت اعضای کلیدی کنگره را جلب کنند.^{۳۳}

روند تصاعدی جنگ در اواخر ماه اوت سال ۱۹۸۲

در این زمان، مشکلات بسیاری پیش روی دولت ریگان قرار داشت که از حوادث خلیج فارس بسیار گسترده تر بود و به مداخله آمریکا در ویتنام و لبنان برمی گشت:

از یکسو، حال و هوای سیاسی داخلی آمریکا در حال تغییر بود. تقریباً صد نفر از اعضای کنگره تا اواخر ماه جولای از خلیج فارس دیدن کرده بودند و نتیجه این بازدیدها متفاوت بود. بدین ترتیب، فضای حاکم بر کنگره تغییر یافت و کنگره این واقعت را پذیرفت که آمریکا نمی تواند تعهد داده شده از سوی رئیس جمهور را نادیده بگیرد. در عین حال، بسیاری از اعضای کنگره مایل بودند که قانون اختیارات زمان جنگ یا قوانین مشابهی اعمال شود تا آزادی عمل رئیس جمهور محدود گردد. اعمال این قوانین تا حد

خرابکاری در مخزنهای گاز پروپان بوده است. این حادثه به حادثه بمب گذاری در کویت در ۲۲ ماه می سال ۱۹۸۷ شباهت بسیار زیادی داشت. پس از این حادثه، در قسمت تأسیسات نفت و گاز کمربندی امنیتی تشکیل داده شد و کمربند دیگری نیز در رأس التنوره، تقریباً در دوازده مایلی جنوب این منطقه شکل گرفت. جالب اینجاست که این انفجارها درست در زمان بازگشت دیپلماتهای عربستان به سفارت این کشور در تهران روی دادند.^{۳۳}

در ۱۸ ماه اوت سال ۱۹۸۷، دولت ریگان در صدد پاسخ به دولت عربستان برآمد و اعلام کرد که یک تقاضای فروش سلاح را به کنگره ارسال خواهد کرد. همچنین، اعلام نمود که ارزش این معامله در حدود یک میلیارد دلار خواهد بود. هر چند کاخ سفید قصد داشت زمان اعلام این موضوع را طوری تنظیم کند تا قوت قلبی برای عربستان باشد، اما زمان آن غیر ماهرانه و بیشتر از دیدگاه سیاست داخلی تنظیم شد؛ زیرا، این اظهارات جزئیات موضوع را شامل نمی شد. در واقع، دولت ریگان سرگرم مذاکره با اسرائیل و لابیگران طرفدار این کشور در آمریکا بود؛ افرادی که می کوشیدند تا کنگره را علیه فروش سلاح تحریک کنند. دیگر اینکه دولت پس از اعلام این موضوع، تنها یکبار پیش از جلسه مجلس مذاکره کرد. نکته سوم اینکه عربستان سعودی به آشکار شدن جزئیات همکاریش با آمریکا تمایل نداشت، حتی اگر فروش سلاحهای مزبور به تأخیر می افتاد یا لغو می شد. بدین ترتیب، دولت ریگان یکبار دیگر خود را در زمینه در



نمی توانستند در برابر حمله امریکا مقاومت کنند و تداوم و تصاعد جنگ خلیج فارس تجارت نفت و اسلحه ایران را تهدید می کرد، اما از آنجا که ایران از نقاط ضعف و آسیب پذیریهایی یاد شده امریکا آگاه بود، تمایل داشت تا امریکا استراتژی محتاطانه ای را در قبال تصاعد جنگ و افزایش تدریجی فشار بر این کشور در پیش گیرد.

این اوضاع روند تصاعدی جنگ را موجب شد؛ وضعیتی که مشکل آفرین و دردسرساز بود و در آن، هر یک از دو طرف مشتاق بودند تا طرف مقابل را با توجه به محدودیتها و

زیادی مشکل بود؛ زیرا، مجلس سنا بیشتر از کنگره از رئیس جمهور حمایت می کرد و این گونه قوانین باید به تصویب هر دو مجلس می رسید.

از سوی دیگر، رفته رفته معلوم شد که تعهدات امریکا حد و مرز مشخصی ندارد. امریکا درگیر مبارزه ای رویاروی با ایران بود و ایران تمایل داشت که سطح توان نظامی امریکا پایین باشد. صرف نظر از پاسخ امریکا به هر یک از اقدامات ایران، تأثیر این پاسخها و واکنشها بدین بستگی داشت که ایران همواره، از استفاده احتمالی امریکا از تجهیزات

ایران به این امید با امریکا مقابله می کرد تا با وارد کردن تلفات هر چند ناچیزی باعث شود که مخالفت های موجود با حضور امریکا در خلیج فارس افزایش یابد و سنا به حمایت از کنگره تمایل یابد و اختیارات رئیس جمهور را محدود کند

نقاط ضعفش بیازمایند.

در عین حال، این وضعیت باعث شد موقعیت مناسبی برای شوروی فراهم آید تا از تنشهای موجود بین ایران و امریکا به نفع خود بهره برداری کند و دوستان و متحدان امریکا در اروپا و در منطقه نیز به این نتیجه ناخوشایند برسند که اگر از دولت ریگان حمایت و پشتیبانی کنند در عقب نشینی و شکست آن نیز شریک خواهند بود؛ موضوعی که به نوبه خود، انگیزه ای برای ایران بود تا هر گونه راه حل مسالمت آمیز را رد کند. در حالی که عراق عمیقاً تمایل داشت وضعیتی نظامی پدید آورد تا امریکا، اروپا و دولت های جنوب خلیج فارس بیش از پیش به این درگیری کشیده شوند.

بالاخره، این منازعه بیشتر برای اثبات ابرقدرتی امریکا در جهان و از سوی دیگر، حقانیت تاریخی [امام] خمینی بود. البته، باید یادآور شد این موضوع برای [امام] خمینی مهم تر و اساسی تر بود. هر چند نگرانی ریگان از انتقادات آینده تاریخ دانان درباره عملکردش اندک نبود، اما برای [امام] خمینی بسیار سخت تر بود تا در برابر عقب نشینیها و شکست های بزرگ، موقعیت خود را به منزله رهبری انقلابی و الهی حفظ کند. در دیدگاه وی، شهادت، تنها جایگزین برای پیروزی بود.

امریکا در برآوردهای NSPG^(۱) (گروه طراحی امنیت ملی) درباره هزینه ها و مزیت های پرچم گذاری مجدد نفت کشتیهای کویتی، موارد و خطرهای مزبور را مدنظر نداشت. NSPG در صدد نبود از طریق ستاد مشترک به برآوردی واقعی از

پیشرفته تر خود برای نابودی قسمت اعظم نیروی نظامی این کشور در خلیج فارس یا مسدود کردن صادرات نفت یا واردات سلاح به این کشور ترس و واهمه داشت.

حملات محدود امریکا به واحدهای نیروی دریایی سپاه یا انهدام چند فروند کشتی و هواپیمای ایران از نظر نظامی، تأثیر چندانی بر این کشور نداشت و موضوع شهادت ناشی از این حملات، نه تنها برای نیروهای ایران باز دارنده نبود، بلکه آنها را تشویق نیز می کرد. همچنین، عملیات اسکورت امریکا، انگلستان و فرانسه، تنها در مناطق مشخصی صورت می گرفت و به کشتیهایی محدود می شد که پرچم این کشورها را حمل می کردند. این واقعیت بدان معنا بود که ایران می توانست از استراتژی حمله به کشتیهای در تیررس استفاده کند و به کشتیهایی که پرچم خود را تغییر نداده بودند، حمله کند، تاکتیکهای غیرمستقیم، مانند مین گذاری را به کار گیرد، از واحدهای کوچک سپاه به منزله نیروهای انتحاری استفاده کند و با کمک سپاه پاسداران و جنبشهای طرفدار [امام] خمینی به گروگان گیری، ترور و خرابکاری اقدام نماید.

همان دلایل محدود باعث شد تا امریکا نیروهای خود را با هزینه یک تا دو میلیون دلار در ماه در منطقه نگه دارد.^{۳۵} همچنین، ایران به این امید با امریکا مقابله می کرد تا با وارد کردن تلفات هر چند ناچیزی باعث شود که مخالفت های موجود با حضور امریکا در خلیج فارس افزایش یابد و سنا به حمایت از کنگره تمایل یابد و اختیارات رئیس جمهور را محدود کند. هر چند نیروهای دریایی و هوایی ایران

(1) National Security Planning Group = NSPG

نسبت به شوروی متمایل کند، یا خصومت دیرپایی را بین ایران و امریکا باعث شود.

گسترش جنگ به دریای عمان و واکنش کشورهای

جنوب خلیج فارس

روند تصاعدی جنگ نفت کشها به روشنی از ادامه جنگ متأثر می شد و مرحله بعدی این تصاعد گسترش جنگ به دریای عمان بود. در حالی که نیروی دریایی ایران با استفاده از شش فروند کشتی و شش فروند بالگرد آر-۵۳ باقی مانده از زمان شاه، به مین رویی سواحل فجیره مشغول بود، دو قایق گشت این کشور به کشتی لیبریایی اسکو سای^(۱) که حامل مواد شیمیایی بودند، در خارج از تنگه هرمز حمله کرد. در این حمله، برای نخستین بار، از کشتیهای نیروی دریایی سپاه در یک حمله مستقیم در خارج از خلیج فارس استفاده شد. این حمله زمانی صورت گرفت که شورای امنیت سازمان ملل در صدد وارد آوردن فشار مجدد به ایران برای پذیرفتن قطع نامه این سازمان بود و خاورپرز دکوئیار، دبیرکل سازمان ملل، قصد داشت تا دوباره به ایران و عراق سفر کند.^{۳۶}

همچنین، این حمله زمانی صورت گرفت که ایران در برابر سازمان ملل و غرب، رفتارهای صلح جویانه ای را از خود نشان می داد. برای نمونه، کمال خرازی، سخن گوی شورای عالی دفاع ایران، در ۲۰ ماه اوت ابراز کرد: «ایران با اصل اسکورت نفت کشتیهای کویتی از سوی امریکا مخالفتی ندارد». وی همچنین، گفت: «ایران با کل قطع نامه سازمان ملل مخالف

خطرهای نظامی دست یابد، همچنین، تعریف روشنی از اهداف سیاسی ارائه نداد و هیچ گونه تقاضایی مبنی بر ارزیابی اطلاعات ملی در زمینه واکنش احتمالی ایران و عراق و کشورهای جنوب خلیج فارس در قبال اقدام پرچم گذاری امریکا نکرد. از سوی دیگر، مدت زمان زیادی را به بررسی مزیت‌های پرچم گذاری مجدد نفت کشها و مستحکم تر کردن نقش امریکا در خلیج فارس و روابط امریکا با دولت‌های عرب منطقه اختصاص داد و کمتر به مطالعه ایران پرداخت.

قرارداد شوروی برای پرچم گذاری کشتیهای کویتی و خدشه های وارد شده به روابط امریکا با دولت‌های منطقه در اثر افشای ماجرای ایران کنترا، باعث شدند تا NSPG در تنگنا قرار بگیرد و به سرعت وارد عمل شود. به نظر می رسد که NSPG به اشتباه عمل گرایری رژیم ایران در رویارویی با اقدامات غیر علنی سیاسی غرب، مانند اسکورت دورادور کشتیهای تجاری حامل پرچم انگلستان از سوی این کشور را با تأثیر اقدامات سیاسی کاملاً آشکار امریکا که به طور مستقیم ایران را به چالش می طلبید، در یک سطح قرار داده بود. همچنین، سیستم سیاسی امریکا بروز تضادی طبیعی بین فرهنگها و روشهای سیاسی را موجب شده بود و این کشور خواستار اقدامات علنی بود؛ چرا که در برابر رسانه ها نمی توانست چیزی جز این بخواهد.

در موضوع اسکورت نفت کشها و همچنین، مؤلفه های کنترل کننده روند تصاعدی جنگ، این امید وجود داشت که ایران به دلیل ضعفهای نظامی و اقتصادی خود، به ناچار، پیشنهاد صلح سازمان ملل را بپذیرد. در عین حال، دولت ریگان بنا به دلایلی، می ترسید که ادامه جنگ، ایران را



(1)Oscio Sie

نیست» و دوباره تصریح کرد که: «کشورش در مین گذاریهای خلیج فارس و دریای عمان دخالت نداشته و در حال مین روبی این مناطق است». اما برشمردن گزینه‌های نظامی ایران از سوی وی بیانگر تهدیدی ضمنی بود: «ما در خلیج فارس قدرتمند هستیم و هر دوی نیروهای کلاسیک و منظم و نیروهای غیر کلاسیک و شهادت طلب را در اختیار داریم».^{۳۷}

آشکار بود که ایران می‌خواست سیاست دو پهلوئی را در پیش گیرد؛ بنابراین، در برابر سومین کاروان اسکورت امریکا در خلیج فارس هیچ واکنشی را از خود نشان نداد، هرچند یک ناوچه ایران و یک کشتی شوروی سایه به سایه کاروان اسکورت را تعقیب می‌کردند. در واقع، شرایط نامساعد جوی را می‌توان تنها مشکلی دانست که کاروان در طول مسیر خود با آن روبه‌رو شد؛ مشکلی که فاصله دید را به یک کیلومتر کاهش داد و توقف کاروان را باعث شد. در

مؤثر بود؛ چرا که هر چند هجده کشور عرب در ۲۳ ماه اوت با هم دیدار کردند، اما متفرق‌تر از آن بودند که بتوانند به اعمال تحریمی فوری اقدام کنند. در این میان، سوریه بیش از همه با چنین اقدامی مخالف بود. با وجود این، اتحادیه عرب ایران را به دلیل حوادث مکه محکوم کرد و کشورهای شرکت‌کننده اعلام کردند که اگر تا ۲۰ ماه سپتامبر، پیشرفتی در روند صلح حاصل نشود، بار دیگر در این ماه، برای اعلام تحریم با یکدیگر ملاقات خواهند کرد.^{۳۹}

هرچند میرحسین موسوی، نخست‌وزیر ایران، بار دیگر تمایل کشورش را نسبت به طرح صلح سازمان ملل اعلام کرد، اما این کشور اتحادیه عرب را به دلیل تحمیل یک صلح ننگین محکوم کرد. با وجود این، عربستان روز به روز فشار بیشتری را بر سوریه وارد می‌آورد. رقابت تسلیحاتی سوریه با کشورهای منطقه، این کشور را تا مرز فروپاشی اقتصادی پیش برده بود. هرچند عربستان نتوانست

از ۲۹ ماه اوت تا اول ماه سپتامبر سال ۱۹۸۷، عراق به مدت چهار شبانه‌روز، اهدافی در خلیج فارس از جمله نفت‌کشها، تأسیسات نفتی موجود در خلیج فارس و کارخانه‌ها و تأسیسات نفتی زمین پایه ایران را هدف حملات هوایی خود قرار داد

این وضعیت، ایران همچنان به بازرسی کشتیها ادامه می‌داد، حتی یک فروند ناوچه ایران به سوی یک کشتی باری یوگسلاوی که از توقف خودداری کرده بود، آتش گشود. در همین حال، عربستان به دلیل فشار روزافزون ایران بر رفت و آمد کشتیها به کشورهای جنوب خلیج فارس و همچنین، برگزاری برنامه‌های خاص در مراسم حج، تصمیم گرفت که روش دیگری را در پیش گیرد؛ بنابراین، به تعداد بیشتری از هواپیماهای امریکا اجازه داد تا در پایگاههای هوایی این کشور فرود آیند و برای کشتیها و هواپیماهای این کشور سوخت بیشتری را فراهم کرد، هرچند در مجامع عمومی این موضوع را انکار می‌کرد.^{۳۸} عربستان به صورت غیر علنی به جنگنده‌ها و هواپیماهای گشت دریایی امریکا اجازه داد تا در شرایط اضطراری برای سوخت‌گیری مجدد و حمایت‌های لجستیکی، در پایگاههای هوایی این کشور فرود آیند. همچنین، همکاریهای خود را با امریکا، کویت، انگلستان و فرانسه در زمینه اطلاعات و امنیت داخلی گسترش داد و به ارتش امریکا و گروههای عملیاتی دریایی، هوایی، زمینی اجازه داد تا از تأسیسات و امکانات این کشور برای اهداف حمایتی استفاده کنند.

این فشار عربستان علیه ایران، تنها به صورت محدود

به کشمکش دیرینه بین اسد و صدام حسین پایان دهد، اما فشار بسیار زیادی بر سوریه وارد آورد تا از حمایت مستقیم کردهای مخالف عراق و جنبشهای سیاسی مخالف این کشور دست بردارد.

اقدامات عربستان، تنها به اتحادیه عرب محدود نمی‌شد؛ چرا که در ۲۵ ماه اوت، نایف بن عبدالعزیز، وزیر کشور، طی بیانیهای، ایران را محکوم کرد و گفت: «که [امام] خمینی امنیت پادشاهی عربستان را به مخاطره انداخته است». وی همچنین، ابراز کرد که: «عربستان توانایی دفاع از خود را دارد و به هرگونه حمله سریعاً پاسخ خواهد داد». وی این گفته‌ها را در حضور بیش از صد خبرنگار که بیشتر از کشورهای اسلامی بودند، اظهار کرد. نایف همچنین، ادعاهای ایران را مبنی بر گشودن آتش از سوی نیروهای امنیتی عربستان به سوی زائران این کشور شدیداً رد کرد و یادآور شد که حدود هفتاد هزار زائر ایرانی در منطقه درگیری حضور داشتند و تنها چند صد نفر کشته شدند و اگر واقعاً نیروهای عربستان اقدام به تیراندازی می‌کردند، آمار تلفات به هزاران کشته می‌رسید. در نهایت نیز، یادآور شد عربستان به ایرانیان اجازه می‌دهد که همچنان، در مراسم حج شرکت کنند، ولی این کشور در مقام متولی مکه

می دادند، به طوری که کویت از امریکا و انگلستان خواست تا دو فروند دیگر از نفت کشفایش را پرچم گذاری کنند و بحرین نیز به صورت غیر علنی به منزله پایگاهی ارتباطی و تدارکاتی و منطقه ای ترانزیتی برای امریکا عمل می کرد. عمان نیز به امریکا اجازه داد تا از امکانات و تأسیسات این کشور استفاده کند. همچنین، به همکاری نزدیک با انگلستان نیز پرداخت. قطر هم تا حد زیادی خود را کنار کشیده بود. هر چند در امارات متحده عربی نیز، برخی از امیرنشینها به ایران متمایل بودند و برخی دیگر به عراق متمایل داشتند اما به هر حال، هر دو گروه از جنگ به نفع خود بهره برداری می کردند.

ابوظبی، غنی ترین امیرنشین امارات متحده همواره، از عراق جانبداری می کرد و حمایت غیرعلنی خود را از پرچم گذاری امریکا ابراز کرده بود. فجیره نیز به حمایت از عراق متمایل بود. نکته درخور توجه آنکه، نفت کشفای موجود در آبهای ساحلی بندر خور فکان^(۱) که یکی از منابع درآمدی عمده این امیرنشین محسوب می شدند، با پیدا شدن مین در دریای عمان، از هفتاد فروند به دوازده فروند کاهش یافتند.

اما به هر حال، تمامی امیرنشینهای امارات متحده باید این واقعیت را در نظر می گرفتند که یک سوم از ۱۷۵ میلیارد دلار درآمد حاصل از صدور مجدد محصولات وارداتی خود را از صادرات به ایران داشتند و اینکه قسمت اعظم هشت میلیارد دلار درآمد حاصل از صدور نفت در سال ۱۹۸۶ از تأسیسات نفتی بسیار حساس و آسیب پذیر مجاور

و مدینه در کار خود بسیار جدی می باشد و تحمل حوادث بیشتری را ندارد.

رادبو و تلویزیون عربستان و ایران نیز به حمله تبلیغاتی علیه یکدیگر سرگرم بودند و زشت ترین القاب را برای مقامات یکدیگر به کار می بردند. در هفته پیش از عاشورا - که شیعیان برای شهادت [امام] حسین عزاداری می کنند - [امام] خمینی اظهار کرد: «مکه جایی است که همه انبیا خدمت گزار او بوده اند و حالا گرفتار شده، مکه به دست یک دسته اشخاص ملحد که اصلاً نمی فهمند باید چه بکنند و یک ننگی است الان برای همه مسلمین دنیا که مکه، محل قدس الهی، محلی که مقدس ترین مقامات الهی است، این طور شکسته بشود»^(۲).

عربستان سعودی تنها در حد خبر، طرحهایی را برای ذخیره انبوه زیرزمینی نفت مطرح کرد تا بتواند در صورت وقوع حملات احتمالی به این کشور، همچنان، به صدور نفت خود ادامه دهد. در این راستا، از دو شرکت مقاطعه کار سوئدی به نامهای ABV A.B. و اسکانسکا^(۱) خواسته شد تا کاوشهای بیشتری را در مورد این پروژه به عهده بگیرند. قرار بود این طرح در نزدیکی بندر نفتی عربستان در کناره دریای سرخ و با هزینه ای نزدیک به ۳/۹ میلیارد دلار به اجرا درآید.

واکنش دیگر دولتهای خلیج فارس در برابر ایران جداگانه و متفاوت بود. عملکرد بحرین و کویت، مانند عربستان سعودی بود و روز به روز، حمایت خود را از امریکا و اروپا و حضور نظامی آنها در خلیج فارس گسترش



(1)Skanska (2)Khor Fakkan

ایران حاصل شده بود. هیچ یک از این امیرنشینها نمی توانستند حمله ایران را به سکوی نفتی ابوالخوش^(۱) در

جنگ نفت کشتها بیش از آنکه تهدیدی برای کشتی رانی در خلیج فارس باشد، آزمایش نظامی و سیاسی اراده ها بود

ماه نوامبر سال ۱۹۸۶ فراموش کنند. ابوظبی ۸ میلیارد دلار و دبی ۲/۵ میلیارد دلار از ۱۱ میلیارد دلار درآمد نفتی سال ۱۹۸۷ را دریافت کردند؛ بنابراین، هر دو امیرنشین دلایل خوبی برای محتاط بودن داشتند.

دبی و رأس الخیمه نسبتاً طرفدار ایران بودند؛ زیرا، منافع زیادی از طریق این کشور عایدشان می شد. همچنین، لازم بود تا اقلیتهای بزرگ شیعه مقیم این امیرنشینها را آرام نگه دارند. حدود صد هزار نفر شیعه ایرانی و بومی در امارات متحده زندگی می کردند که اقامت سی هزار نفر از آنها غیرقانونی بود. آنها غالباً در دبی و رأس الخیمه مقیم بودند و دبی به تنهایی پنجاه هزار نفر از آنها را در خود جای داده بود.

دبی سالانه، حدوداً معادل ۱۵۰ میلیون دلار میوه و سبزی از ایران وارد و ۷۰ درصد از محصولات غیرنفتی وارد شده از ایران را دوباره صادر می کرد. نیروی کار بومی امارات و بیشتر کشتیهای کوچک باری این کشور بدین فعالیت مشغول بودند. در سال ۱۹۸۶، نزدیک به هفت هزار کشتی باری امارات روانه بنادر ایران شده بودند که ارزش ترابری آنها بیش از ۳۹۰ میلیون دلار بود؛ میزانی که در ماه اوت سال ۱۹۸۷، به چهارصد میلیون دلار رسید. باید یادآور شد که کارخانه های کشتی سازی دبی (با ۱۵۰ کشتی در سال) با شرکت بحرینی ساخت و تعمیر کشتی عرب^(۲) (با ۵۰ کشتی در سال) برای تعمیر کشتیهای آسیب دیده در جنگ نفت کشتها رقابت می کردند.^(۳)

جنگ نفت کشتها و حمله به کویت

هر چند جنگ طی بهار و تابستان سال ۱۹۸۷ گسترده تر شده بود، اما بسیاری از نفت کشتها و کشتیهای باری که در خلیج فارس رفت و آمد می کردند، اسکورت نظامی نمی شدند. از جمله شش هفتم نفت کشتها و صدها کشتی باری بزرگ و

کوچک و همچنین، کشتیهای ساحلی کوچک خودشان بدون اسکورت در حرکت بودند. جنگ نفت کشتها بیش از آنکه تهدیدی برای کشتی رانی در خلیج فارس باشد، آزمایش نظامی و سیاسی اراده ها بود. هر ماه هفتاد تا هشتاد نفت کش غالباً بدون آنکه خطری آنها را تهدید کند، به کویت وارد می شدند. هر چند از زمان آغاز جنگ تعداد کشتیهای که هدف حمله قرار گرفتند، به ۳۲۵ فروند افزایش یافته بود، اما تعداد کشتیهای آسیب دیده هنوز حدود ۳۲۰ فروند، یعنی کمتر از یک کشتی در هر حمله بود. از سوی دیگر، علت کاهش حجم معاملات تجاری را نسبت به سال ۱۹۸۴ باید بیشتر کاهش قیمت نفت عنوان کرد تا جنگ.

هر چند طی هفت ماه نخست سال ۱۹۸۷، قیمت اجاره نفت کشتها در خلیج فارس سه برابر شده بود، اما هنوز هم تنها حدود دو دلار برای هر بشکه بود و این افزایش اجاره با کاهش قیمت نفت از سوی تولیدکنندگان جبران می شد. حق بیمه نیز که در سال ۱۹۸۵ برای نفت خام عربستان ۲ درصد از کل قیمت یک بشکه بود، در سال ۱۹۸۶ به ۱۲ درصد افزایش یافت، اما یکبار دیگر، قیمت نفت کاهش پیدا کرد. در ماه اوت، حق بیمه ۰/۲۵ درصد از کل ارزش محموله بود که برای عراق ۰/۲۵ درصد دیگر نیز افزایش می یافت؛ بنابراین، میزان حق بیمه نمی توانست کشتی رانی در خلیج فارس را کم رونق کند. تقاضا برای نفت کش که در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۵ حدود ۳۶ درصد کاهش داشت، در سال ۱۹۸۶، حدود ۱۲ درصد افزایش یافت و در هفت ماه اول سال ۱۹۸۷، میزان حجم استفاده شده از نفت کشتها ۲۳ درصد بیشتر شد.^(۴)

جالب است خود ایران نیز به اندازه غرب و عراق از حمله به کشتیها خسارت می دید؛ زیرا، بنادر دریای عمان که ۳۵ تا ۴۰ فروند کشتی در آنجا مشغول کار و تخلیه بار بودند تا محموله های آنها از طریق جاده به امارات متحده حمل شود، مین گذاری شده بودند و این اقدام در حالی انجام شده بود که اغلب رفت و آمدها به سوی ایران بود. در واقع، از سال ۱۹۸۵، ایران به تردد کشتیهایش از خور فکان وابسته بود و در سال ۱۹۸۶ نیز، تعداد کل این تردها افزایش یافته بود. هر چند تعداد کشتیهای باری وارد شده به بنادر رشید و جبل علی دبی از ۳۲۲۹ کشتی در سال ۱۹۸۳ به ۲۸۸۸ کشتی در سال ۱۹۸۶ کاهش یافته بود، اما تعداد کشتیهای باری کوچک و کشتیهای ساحلی وارد شده به این بنادر از ۶۳۶۶ فروند در سال ۱۹۸۴، به ۱۰۰۰۸ فروند در سال ۱۹۸۶

(1) Abual-Bukhoosh (2) Bahrain's Arab Ship Building and Repair Company



افزایش یافته بود.^{۳۳}

است. ایران نیز طی ۲۷ ماه اوت تا ۳ ماه سپتامبر سال ۱۹۸۷، بیست فروند کشتی را هدف قرار داد. حملات مزبور فشرده‌ترین سلسله حملات ایران و عراق از آغاز جنگ نفت کشتها بودند؛ بنابراین، بیمه لویدز^(۱) نیز حق بیمه خود در برابر خطر جنگ را تا ۵۰ درصد افزایش داد.

در آن زمان، دو عامل دیگر نیز تنشهای موجود در خلیج فارس را تشدید می‌کردند. در ۳ ماه سپتامبر، قایقهای تندرو ایران به یک کشتی کانتینربر ایتالیا حمله کردند که طی آن، دو نفر ایتالیایی زخمی شدند؛ موضوعی که باعث شد تا کابینه دولت در ۴ همین ماه تشکیل جلسه دهد و ایتالیا که در صدد تشکیل نیروی صلحی از سوی سازمان ملل بود، موضع خود را تغییر دهد و کشتیهای جنگی اش را به خلیج فارس اعزام کند تا به کشتیهای امریکا، انگلستان و فرانسه بپیوندند. این سیاست از وابستگی ایتالیا به نفت وارداتی از خلیج فارس نشئت می‌گرفت. در آن زمان، این کشور ۴۰ درصد از نفت خود را از خلیج فارس تأمین می‌کرد. فرانسه نیز به صورت غیرعلنی این قول را داده بود که در شرایط اضطراری، از کشتیهای ایتالیا حمایت هوایی کند.

در همان روز، یک فروند موشک کرم ابریشم از پایگاهی در جنوبی‌ترین نقطه شبه جزیره فاو به سوی کویت پرتاب شد و به خط ساحلی غیرمسکونی در حالی که تنها دو مایل از پایانه‌های نفتی اصلی کویت فاصله داشت، اصابت کرد، در ضمن دو نفت کش نیز در آن لحظه، در حال بارگیری بودند، اما معلوم نشد که آیا سیستم هدایت موشک

به هر حال، در اوایل ماه سپتامبر سال ۱۹۸۷، جنگ نفت کشتها بسیار جدی‌تر شده، به طوری که از ۲۹ ماه اوت تا اول ماه سپتامبر سال ۱۹۸۷، عراق به مدت چهار شبانه‌روز، اهدافی در خلیج فارس از جمله نفت کشتها، تأسیسات نفتی موجود در خلیج فارس و کارخانه‌ها و تأسیسات نفتی زمین پایه ایران را هدف حملات هوایی خود قرار داد. در مقابل، در ۱ ماه سپتامبر نیز، نیروی دریایی سپاه پاسداران در صدد پاسخ‌گویی به این اقدام برآمد و با استفاده از مسلسل و راکت به یک کشتی کویتی که حدود ۳۵۰ مایل از نزدیک‌ترین کاروان امریکا فاصله داشت، حمله کرد، ضمن آنکه مراقب بود که کشتی مورد نظر پرچم‌گذاری شده نباشد.

بدین ترتیب، ایران و عراق دور جدیدی از تبادل تهدیدها را آغاز کردند. در این راستا، ایران اعلام نمود که موشک جواب موشک خواهد بود و عراق را متهم کرد که با استفاده از جنگنده‌های خود، حملات گسترده‌ای را علیه شهرهای ایران آغاز کرده است؛ حملاتی که در ماه فوریه سال ۱۹۸۶ به صورت غیر رسمی متوقف شده بودند. روز دوم ماه سپتامبر ایران به دو فروند نفت کش حامل نفت کشورهای عرب حمله کرد. در نتیجه، دور جدیدی از حملات ایران و عراق علیه یکدیگر آغاز شد، به طوری که در ۲۴ ساعت، هفت فروند کشتی هدف قرار گرفتند. عراق ادعا می‌کرد که طی پنج روز، به یازده مورد از اهداف دریایی و دو مورد از تأسیسات ارتباطی و نیروگاه برق حمله کرده

(1)Loyds

آن را از رسیدن به نفت کشتها بازداشته بود یا اینکه هدف از این حمله، تنها تهدید کویت بود. ایران مسئولیت پرتاب این موشک را بر عهده نگرفت، اما پس از آن، دو موشک در ۴ و ۵ سپتامبر شلیک شد که اولی به نزدیکی بندر عبدالله در سی مایلی جنوب شهر کویت اصابت کرد و نشان داد که کل کشور در تیررس موشک قرار دارد و دیگری نیز به نزدیکی جزیره فیلکه در سیزده مایلی ساحل شمالی کویت اصابت کرد.

در پی این اقدام، کویت اعتراض خود را به سازمان ملل اعلام، به اعضای دائم شورای امنیت شکایت و پنج تن از هفت دیپلمات ایرانی را از کویت اخراج کرد. در مقابل،

دولت ریگان بنا به دلایلی، می ترسید که ادامه جنگ، ایران را نسبت به شوروی متمایل کند یا خصومت دیرپایی را بین ایران و آمریکا باعث شود

ایران نیز ادعا نمود که آمریکا کویت را نسبت به اخراج دیپلماتها متقاعد کرده است و سرانجام، پیامدهای این عمل گریبان گیر خود کویت خواهد شد. همچنین، بار دیگر از آمریکا خواست تا خلیج فارس را ترک کند.^{۴۴} کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نیز در صدد پاسخ برآمدند و در این راستا، وزیران خارجه این کشورها در ۱۲ ماه سپتامبر سال ۱۹۸۷، تشکیل جلسه دادند، هرچند از همان آغاز معلوم بود که کار چندانی از دست دولتهای جنوب خلیج فارس برنمی آید.

امریکا عراق را به دلیل حملاتش مورد سرزنش قرار می داد، اما بیشتر از آن به ایران به دلیل رد طرح آتش بس سازمان ملل اعتراض می کرد. در ۴ ماه سپتامبر، سازمان ملل اعلام کرد که هیئت صلحی به منطقه خلیج فارس وارد خواهد شد؛ موضوعی که شدت جنگ نفت کشتها را بین دو طرف جنگ کاهش داد؛ چرا که آنها به دلیل فراهم آوردن مقدمات ورود دبیرکل سازمان ملل با آتش بس محدودی، از ۵ تا ۷ ماه سپتامبر موافقت کردند. ایران به ظاهر می خواست وانمود کند که قصد ندارد طرح صلح سازمان ملل را کاملاً رد کند، اما عراق این دیدار را پیش زمینه ای برای اعمال تحریمها علیه ایران می دانست.^{۴۵}

این آتش بس آرامش زودگذری در جنگ بود؛ زیرا، عراق همچنان، به حملات خود علیه اهداف زمینی ادامه داد و اعلام کرد که تنها در ایام اقامت دبیرکل، حملات خود، را

به تهران متوقف خواهد کرد. دبیرکل طی مأموریت خود در ۱۱ ماه سپتامبر به تهران وارد شد و روز بعد از آن، گفت وگو با مقامات ایران را آغاز کرد. هر دو کشور طرف مقابل را به دلیل لغو آتش بس محکوم می کردند. ایران ادعا می کرد عراق طی مدت آتش بس سیزده غیرنظامی را کشته است. بغداد نیز می گفت ایران طی ۴۸ ساعت گذشته، هشت شهر عراق را هدف گلوله های توپ قرار داده است و نیروهای دریایی سپاه با راکت به سوپر نفت کش سپیریوت^(۱) که حامل نفت عربستان بود حمله کرده اند.

حضور فزاینده آمریکا و اروپا در خلیج فارس

طی تابستان سال ۱۹۸۷، نقش اروپا در خلیج فارس در حال گسترش بود. به دنبال تصمیم فرانسه و انگلستان در ۱۱ ماه سپتامبر سال ۱۹۸۷ برای اعزام کشتیهای جنگی به خلیج فارس، آمریکا نیز فشار خود را بر بلژیک، ایتالیا و هلند افزایش داد تا بدین ترتیب، نقش فعال تری در منطقه خلیج فارس داشته باشند. در نتیجه، در ۲۰ ماه اوت، جلسه ویژه ای در زمینه اقدام مشترکی در اتحادیه اروپای غربی^(۲) تشکیل شد؛ جلسه ای که هیچ نتیجه ملموسی نداشت و تنها در آن، آزادی کشتی رانی در خلیج فارس مطرح شد. در این میان، جمهوری آلمان فدرال بر سر هیچ اقدامی به توافق نرسید، ایتالیا مخالف هر گونه رهبری و سرکردگی آمریکا بود و انگلستان و فرانسه نیز به نقطه ای رسیده بودند که نمی خواستند وابستگی به اتحادیه، آزادی عمل آنها را محدود کند.

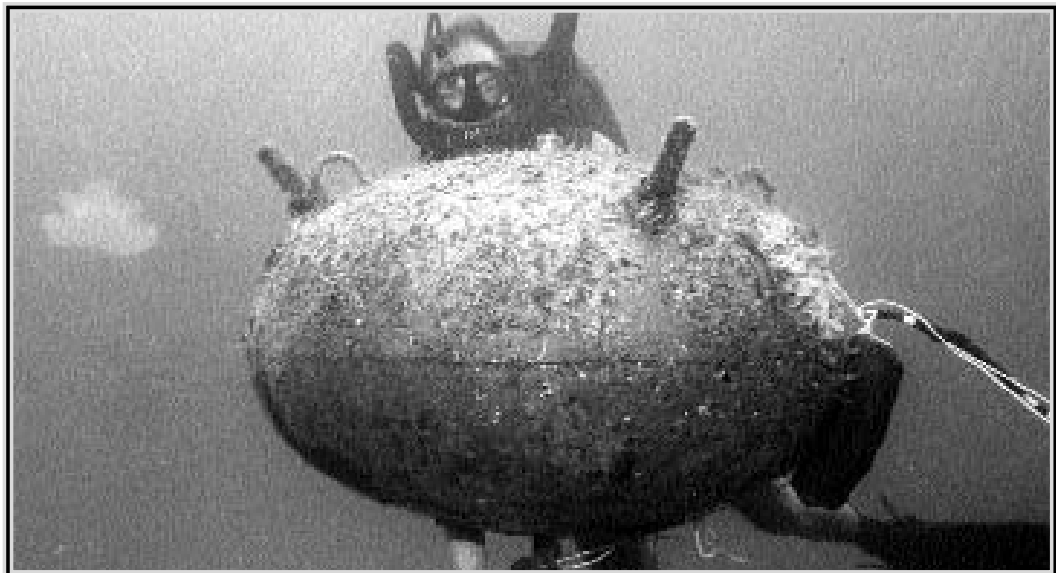
زمانی که ایتالیا به طور یکجانبه تصمیم گرفت در ۳ ماه سپتامبر به خلیج فارس وارد شود، هلند، که ریاست اتحادیه کشورهای اروپای غربی را به عهده داشت و پیش از این، در زمینه اقدام مشترک این کشورها در خلیج فارس بسیار تلاش کرده بود، از اقدام گروهی صرف نظر کرد و تصمیم گرفت به تنهایی وارد عمل شود و از انگلستان تقاضای کمک کرد. انگلستان نیز موافقت کرد تا برای این کشور، به هنگام مین رویی، پوشش هوایی و حمایت لجستیکی فراهم آورد. در ۷ ماه سپتامبر سال ۱۹۸۷، هلند اعلام کرد که دو فروند مین روب به منطقه اعزام خواهد نمود. بلژیک نیز که از مدتها پیش، در زمینه طرح دفاع دریایی در خلیج فارس با هلند و انگلستان همکاری داشت، به دنبال هلند، وارد عمل شد و اعلام کرد که دو فروند مین روب و یک کشتی تدارکاتی خود را به منطقه خلیج فارس خواهد فرستاد.

(1)Cypriot (2)WEU

هلندی - بلژیکی، تنها به توپهای بیست میلی متری مسلح بود؛ موضوعی که باعث شد تا هلند از موشکهای استینگر نیز استفاده کند.^{۴۶}

همان طور که پیش از این نیز بحث شد، ایتالیا هم تصمیم گرفته بود تا در خلیج فارس حضور یابد؛ بنابراین، در ۸ ماه سپتامبر سال ۱۹۸۷، دولت این کشور اعزام هشت فروند کشتی، شامل سه فروند مین روب کلاس لرسی^(۴) و یک فروند ناوچه کلاس لپو^(۵) و دو فروند ناوچه کلاس ماسترال^(۶) را اعلام کرد. فرماندهی این کشتیها را دریادار یکم آنجلو ماریانی^(۷) فرمانده بخش دوم نیروی دریایی تارانگو،^(۸) بر عهده داشت. آنها در ۱۵ ماه سپتامبر، سفر دریایی خود را آغاز کردند (جدول شماره ۲).^{۴۷} نیروهای ویژه فرانسوی موجود در خلیج فارس عبارت بودند از ناو هواپیما بر ۳۲۷۰۰ تنی کلمانسو حامل ۳۸ فروند هواپیما (سیستم دفاع هوایی این ناو نوسازی شده بود و از نوع سیستم دفاعی آتش پشتیبانی نزدیک^(۹) بود)، دو فروند ناوشکن مجهز به موشک هدایت شونده، یک فروند ناوچه و سه فروند ناوچه چند منظوره. همچنین، دو فروند کشتی آذوقه و یک فروند کشتی تعمیراتی ۲۳۲۰ تنی دیگر نیز در راه بودند. نیروهای فرانسه از طریق سه فروند مین روب (دو فروند مین روب کلاس دومپاری^(۱۰) و یک فروند کلاس تریپارتیت^(۱۱)) تقویت می شدند. این مین روبها که در سالهای ۱۹۷۶ و ۱۹۷۹ کاملاً نوسازی شده بودند، عملیات خود را در ۱۱ ماه سپتامبر در دریای عمان آغاز کردند.^{۴۸}

همچنین، موافقت کرد تا استاد فرماندهی مشترکی را با هلند تشکیل دهد. بدین ترتیب، قرار شد تا در این ستاد، یک افسر بلژیکی فرماندهی واحدهای دریایی حاضر در صحنه و یک افسر هلندی فرماندهی کل نیروهای ویژه را بر عهده گیرد. کشتیهای بلژیکی و هلندی تا اواخر ماه سپتامبر به منزله بخشی از یک ناوگان به سوی خلیج فارس حرکت می کردند، اما در این هنگام اروپاییها اعلام کردند که امریکا نباید به تنهایی برای رفع مشکلات وارد عمل شود و نیروهای ویژه مین خود را به کار گیرد. نکته درخور توجه آنکه مین روبهای بلژیک از کشتیهای آونجر^(۱) امریکا در جنگ جهانی دوم قدیمی تر بودند، به طوری که یکی از آنها به نام بریدل^(۲) سی سال قدمت داشت، در مدیترانه در هم شکست و این بدان معنی بود که نیروهای مزبور نمی توانستند طبق جدول زمانی مشخص شده خود در ۱ ماه نوامبر به منطقه برسند. البته، مشکلات دیگری هم برای این ناوگان پدید آمد؛ زیرا، هیچ گونه پایگاهی در خلیج فارس نداشتند و از پوشش هوایی نیز برخوردار نبودند. بدین ترتیب، بهترین کاری که این ناوگان می توانست انجام دهد این بود که به فرانسه اتکا کند تا از حمایتهای این کشور از طریق پایگاه جیبوتی برخوردار شود و همچنین، از کشتی پشتیبانی بلژیک - زینا^(۳) به منزله یک کشتی تدارکاتی استفاده کند. انگلستان نیز موافقت کرد که به منزله اولویت سومش بعد از کشتیهای جنگی و کشتیهای تجاری خود، برای این ناوگان پوشش هوایی فراهم آورد. این نیروی



(1)Avenger (2)Breydel (3)Zinna (4)Lerci (5)Lupo (6)Maestrale
(7)Angelo Mariani (8)Taranto (9)CSF EDIR (10)Domparie (11)Tripartite

جدول شماره ۲: کشتیهای غربی مستقر در خلیج فارس و خلیج عمان، یا در مسیر آن در ۲۰ ماه سپتامبر سال ۱۹۸۷ (۱) و (۲) و (۳)

دیگر کشورها	نیروهای انگلستان	نیروهای فرانسه	نیروهای ویژه امریکا
نیروهای ایتالیا	ناوشکن: ادینبرگ (۲۵۳)	ناو هواپیمابر: کلانسو (۱/۳۳۸)	نیروهای ویژه خاورمیانه (۴)
ناو هواپیمابر: رنجر	ناوچه ها:	ناوشکن:	کشتی فرماندهی: لاسال (۴۹۹)
ناو: ولی فورگ	آندرومدا (۲۲۴)	دکوژن (۳۵۵)	ناو: ویلیام اچ استندلی (۵۱۳)
ناوشکن: ارکادیا	برازن (۱۷۵)	جورج لی جیوس	رویز (۵۱۳)
ناوچه ها: کوالت	شکارچی مین: بای سیستر	سافرین (۳۵۵)	ناوشکن: کید (۳۴۶)
کشتی مهمات: کامدن	بروکون	کموننت بوری (۱۶۷)	ناوچه: کروملین (۲۰۰)
کشتی تدارکاتی:	براکلس بای	پورتت (۱۶۷)	رنتز (۲۰۰)
نیاکارا	هارورس	ویکتور اسکول چر (۱۶۷)	فلتلی (۲۰۰)
فالز	کشتی تعمیر: دیلیگنس	شکارچی مین:	جرت (۲۰۰)
سیویویو	کشتیهای پشتیبانی مین روب:	کانتو	کلاکرینگ (۲۰۰)
نیروهای بلژیک	ابدیل	لویر	کشتی ترابری: رالی (۴۲۹)
ناوچه ها:	کشتی تدارکاتی:	وین لونگ	ناو تهاجمی آبی - خاکی: گودال کانال
سیروکو	برامل لیف (۴۲)	انبار ناو: کارون	کشتی پشتیبانی مین: لویر (۷۵۴)
گری کالا	هواپیمای کشت دریایی:	نفتکش: میوز	یگانهای جنگی
پرسو	نیمرود	کشتی پشتیبانی: مارنت	کشتی جنگی: میسوری
شناورهای مین روب:	مین روبها:		ناو: بانکر هیل
ویست	بری دل		لانگ بیچ
میلزور	اف - یاوس		ناوشکن: هوئل
سپاری	کشتی پشتیبانی:		ناوچه: کورتس
کشتی نجات: آنتنو	زینیا		کشتی پشتیبانی: کانزاس سیتی
نیروهای هلند			کشتیهای مین روب در ترابری:
مین روبها:			این هنز
هلووتسلالز			استیم
ماسلوئیز			فیرلس
			اینفلکت
			ایلوسو
			کشتیهای کشتی مین روب:
			باربر کاوینتی
			گرپل

(۱) فرماندهی اسکادران شوروی در اقیانوس هند در دست یک دریادار دوم بود که از ناوچه کلاس کریواک (Krivak) به نام لدنی (Ladny) استفاده می کرد. مجموع کشتیهای شوروی ناوشکن کلاس سورمنی (Sovremenny) یا کلاس آدالولی (Udaloly) دو فروند ناوچه، سه فروند مین روب کلاس ناتیا (Naty) یک فروند زیر دریایی کلاس اورگا (Urga) تعدادی نامشخص زیر دریایی و سه فروند کرجی AGI یا شناورهای اطلاعاتی را شامل می شد.

(۲) اعداد داخل پرانتزها نشان دهنده تعداد خدمه کشتیها و در ضمن گویای بزرگی کشتیهاست.

(۳) سلاحهای تکمیلی کشتیهای مستقر در خلیج فارس شامل یک فروند بالگرد امریکایی برای کشتی ویلیام اچ استندلی (William H. Standley)، دو فروند بالگرد برای هر ناوچه امریکا؛ هشت فروند بالگرد MSW؛ چهار فروند بالگرد تهاجمی، دو فروند بالگرد ترابری و چهار فروند بالگرد تدارکاتی برای گودال کانال؛ شش فروند بالگرد MSC، چهار فروند قایق جنگی ویژه، دو فروند قایق کشتی تندرو (FPB) برای کشتی رالی؛ بیست فروند هوانا و (FBA)، ده فروند آواکس، و ده سیستم جنگ افزار جنگ ضد دریایی برای کلانسو بود.

(۴) هواپیماهای هشدار دهنده آواکس (E-۳A)، هواپیماهای سوخت ارسال مستقر در عربستان، کشتیهای باری و تدارکاتی مستقر در دیه گوگارسیا، هواپیماهای P-۳C مستقر در مصریه و ۱۵۰ تن پرسنل پشتیبانی مستقر در جمیمه، بحرین، نیروهای امریکایی را پشتیبانی می کردند.

تنی کامدن^(۸) سوخت و مهمات را تأمین می‌کرد، یک کشتی ۷۰ و ۱۶۰ تنی کلاس مارس^(۹) ذخایر جنگی را فراهم می‌آورد و کشتی نیاگارا فالز^(۱۰) قطعات یدکی و تجهیزات و قطعات هواپیماها را تأمین می‌کردند. این گروه بعدها در تابستان با یک گروه دیگر به رهبری رنجر^(۱۱) جایگزین شد. همچنین، یک گروه امریکایی دیگر به نام گروه دریایی پاسیفیک غربی نیز وجود داشت که کشتی جنگی میسوری (دارای تجهیزات مدرن فرماندهی)، دفاع هوایی کوتاه برد و موشکهای ضدکشتی را شامل می‌شد. این موشکها ۳۲ موشک کروز تام هاوک از نوع ضدکشتی و گونه‌ای از موشکها را که برای حمله به خشکی می‌باشد، در برمی‌گرفتند. کشتی میسوری با کشتی نوسازی شده دفاعی به نام بانکر هیل^(۱۲) و ناو لانگ بیچ^(۱۳) که برای نخستین بار، به سلاحهای هسته‌ای، مانند موشک تام هاوک و هارپون مجهز شده بود، اسکورت می‌شد. کشتی هوئل^(۱۴) دفاع هوایی لازم را برای یگانهای مستقر در سطح دریا فراهم می‌کرد و کشتی کُرتس^(۱۵) تأمین کننده دفاع ضد زیردریایی بود. کشتی تدارکاتی کانزاس سیتی^(۱۶) نیز روغن، سوخت، مهمات و تدارکات لازم را برای یگانهای مزبور فراهم می‌کرد.

نیروی ویژه خاورمیانه‌ای دریادار برنسن، کنترل کشتی فرماندهی لاسال را در دست داشت. این کشتی با کشتی تهاجمی آبی‌خاکی رالی که عرشه مجهزی داشت، تقویت می‌شد. کشتی رالی با چهل فروند قایتق مین روب کلاس MSB5 و چهار فروند هواپیمای سبک سی فوکس به سوی خلیج فارس در حرکت بود. همچنین، در ۲۷ ماه اوت، کشتی باری سنت لوئیس^(۱۷) با دو فروند قایتق MSBS و دو فروند هواپیمای سی فوکس دیگر از راه رسید.^(۱۸)

ناو گوادال کانال حامل هفتصد تن از افراد نیروی دریایی و هشت فروند بالگرد مین‌روب سی استالیون RH-53D بود. همچنین، این نیرو چهار فروند بالگرد تهاجمی سی کبرا^(۱۹) AH-1T، چهار فروند بالگرد تدارکاتی UH 1N و دو فروند بالگرد ترابری سی نایت^(۲۰) CH-46C تاروس^(۲۱) را شامل می‌شد پنج فروند کشتی دیگر به نامهای هرکولس^(۲۲) اکویلا^(۲۳) آریس^(۲۴) و جمینی^(۲۵) نیز در این ناوگان حضور داشتند که به موشکهای هارپون و توپهای ۷۶ میلیمتری مجهز بودند و یک واحد از نیروی ویژه امریکا چهار فروند

تا اواخر ماه اکتبر، نیروهای فرانسه نه عدد مین ام-۰۸ را در آبهای ساحلی بنادر فجیره و خور فکان کشف کرده بودند. دو عدد از این مینها در اثر مین‌روبی به سطح آب آمدند و هفت عدد از آنها در عمق دو تا هفت متری با سونار کشف شدند. ناوچه فرانسوی دوپلیکس^(۱) دو مین دیگر را در آبهای قطر کشف و منهدم کرد و بدین ترتیب، تعداد کل مینهای کشف شده از آغاز عملیات پرچم‌گذاری امریکا به هشتاد رسید.^(۲)

ناوگان گشت انگلستان ناوچه کلاس بیچ لندر^(۳) به نام اچ. ام. اس آندرومدا^(۴) با سیستم دفاع هوایی کوتاه برد سی ولف^(۵) را شامل می‌شد. این ناوچه با ناوشکن ادین برگ^(۶) که یک کشتی به سیستم دفاع هوایی از نوع ۴۲ مجهز بود و ناوچه ضد زیر دریایی برازن^(۷) از نوع ۲۲ حمایت می‌شد. در ۱۵ ماه سپتامبر، نیروی ویژه مین انگلستان به دریای عمان رسیده بود. این نیرو کشتی پشتیبانی ۱۳۷۵ تنی ابدیل^(۸) که لوازم یدکی مین‌روبها را حمل و در ضمن، به منزله یک کشتی فرماندهی عمل می‌کرد و همچنین، سه فروند مین روب از نوع ام.سی.ام. ۱ و ۴ را شامل می‌شد که دستگاههای مین‌یاب سبک، دستگاه صوتی شکار مین، هدفهای فریبنده ضد موشک بریکید^(۹) و سیستم شناسایی و عملیاتی را در برمی‌گرفتند.^(۱۰) نفت کش ۲۰۰ و ۴۰۰ تنی برامبل - لیف^(۱۱) کشتی آذوقه رجنت^(۱۲) کشتی تعمیر دلیگنس^(۱۳) این ناوگان را حمایت می‌کردند. باید یادآور شد که کشتی اخیر افزون بر اقدامات تعمیراتی، توان اجرای آتش و تجهیزات غواصی را نیز داشت.

اکنون، این ناوگان برای انجام یک جنگ عمده در منطقه مستقر شده بود. ناوگان مزبور متشکل از نیروی ویژه به رهبری ناو کانستبلشن و نیروهای مستقر در اقیانوس هند شامل یک ناو هواپیمابر با ۸۷ هواپیمای جنگی بود. کشتی ولی فورگ^(۱۴) پوشش هوایی لازم را برای نیروی ویژه فراهم می‌آورد و به عنوان مرکز همکاریهای نیروی هوایی عربستان و امریکا عمل می‌کرد و ناو کانستبلشن را اسکورت می‌کرد. کشتی کاکرن^(۱۵) پوشش دفاع هوایی را فراهم می‌آورد و دو ناوچه کلاس ناکس^(۱۶) به نامهای کوک^(۱۷) و کوالت^(۱۸) پوشش جنگ ضددریایی^(۱۹) را فراهم می‌کردند و همچنین، با موشکهای هارپون RGM 84 دفاع سطحی لازم را پدید می‌آوردند، کشتی تدارکاتی ۵۳، ۶۰۰

(1) Duplex (2)Batch Leander (3)HMS Andromeda (4)Sea Wolf (5)Edin burgh (6)Brazen (7)Abdiel (8)Bawicade (9)Bramble _ leaf (10)Regent (11)Diligence (12)Valley Forge (13)Cochrane (14)Knox (15)Cook (16)Quellat (17)ASW (18)Camden (19)Mars (20)Niagra Falls (21)Ringer (22)Bunker Hill (23)Long Beach (24)Hoel (25)Curts (26) Kansas City (27)St. Louis (28)Sea Cobra (29)Sea Knight (30)Taurus (31)Hercules (32)Aguila (33)Aries (34)Gemini



پنج فروند کشتی پشتیبانی بزرگ، پنج فروند کشتی پشتیبانی کوچک و چهارده فروند کشتی مین روب مدرن را به خلیج فارس اعزام کرده بود.^{۵۳} هر چند ژاپن، تنها تمایل کلی خود را نسبت به همکاری با آمریکا اعلام کرده بود، اما جمهوری فدرال آلمان موافقت کرده بود که کشتیهای خود را به جنوب دریای مدیترانه بفرستد تا جایگزین کشتیهایی شوند که برخی از کشورهای اروپایی از مدیترانه خارج کرده بودند. این کشور ناوشکن مولدرز^(۱۱) ناوچه نیدرساچسن^(۱۲) و کشتی تدارکاتی فریبرگ^(۱۳) را به منطقه مدیترانه اعزام کرد که همه آنها تا اواسط اکتبر به مقصد رسیدند.^{۵۴}

بالگرد ضدحمله و شناسایی MH 6A را برای آنها تأمین می کرد.

ناوشکنهای اسکادران ۱۴ که در رأس آنها، ناوشکن موشک انداز کید قرار داشت، کاروان کشتیهای پرچم گذاری شده کویت را اسکورت می کرد. این اسکادران ناو و موشک انداز فوکس و ناوچه های موشک اندازرید^(۱) کروملین^(۲) جرت^(۳) و هاوز^(۴) را شامل می شد. این چهار ناوچه به توپهای ۷۶ میلیمتری و بالگردهای لمپس^(۵) اس-اچ-۲-اف یا لمپس ام-اس-اچ-۶۰ بی مجهز بودند و با نیروی دفاعی مستقر در منطقه شامل ناوچه های فلتلی^(۶) و کلاکرینگ^(۷) و ناوهای موشک انداز وردن^(۸) و ریویز^(۹) حمایت می شدند. در این زمان، یازده کشتی آمریکایی با ۴۵۰۰ خدمه عملاً در آبهای خلیج فارس مستقر بودند. این تقویت نیرو، برآورد پنتاگون از هزینه کلی عملیات پرچم گذاری را تا، دویست میلیون دلار در سال (تنها برای نیروی دریایی) افزایش داد.^{۵۲}

تا اوایل ماه اکتبر، تعداد کشتیهایی که برای عملیات در منطقه خلیج فارس در نظر گرفته شده بودند، به ۳۵ کشتی اروپایی و ۳۵ کشتی آمریکایی رسیده بود. در کل، اروپا یک فروند ناوهواپیما بر، سه فروند ناوشکن، ده فروند ناوچه،

(1)Reid (2)Crommelin (3)Jarret (4)Hawes
(5)LAMPS (6)Flatley (7)Klakring (8)Worden
(9)Reeves (10)Moelders (11)Niedersachsen
(12)Frieburg

Post, July 25, 1987, p. A - 1.

10. *Washington Post*, July 27, 1987, p. I - 1, and August 2, 1987, p. A - 23.

۱۱. کویت در برابر حملات موشکی زمینی یا هوایی بسیار آسیب‌پذیر است. این کشور حدود شش تا هشت نیروگاه برق و تصفیه‌خانه آب دارد که برای فعالیتهای اقتصادی و زندگی عادی این کشور بسیار حیاتی هستند. توان دفاع هوایی این کشور نیز بسیار محدود است. سه نیروگاه برق به دو حوضه و شویخ و دو نیروگاه برق دیگر به شعبه نزدیک‌اند. تصفیه‌خانه‌ها در بندر الاحمدی، شعبیه، بندر عبدالله و سعود قرار دارند. همچنین، یک نیروگاه دیگر نیز در جزیره فیلکه در دست احداث است. از سوی دیگر، کویت در نظر دارد تأسیسات گاز مایع و پالایشگاه احداث کند؛ چرا که تأسیسات تولید گاز پروپان در پالایشگاه الاحمدی نیز بسیار آسیب‌پذیر بوده و یک شلیک موفق می‌توانست انفجارهای متعددی را در پی داشته باشد و توان صادراتی کویت را فلج کند. اما موشکهای ایران هم از نظر تعداد و هم از نظر دقت برای استفاده در حملات بسیار دقیق، محدودند و توان حمله هوایی ایران نیز آنچنان محدود است که به نظر نمی‌رسد هواپیماهای تهاجمی فعال باقی‌مانده خود را درگیر حمله به یک نیروی کوچک، مانند نیروی هوایی کویت بکنند. اجرای حمله موفق از سوی ایران شانس بسیار بالایی می‌خواهد.

12. *Economist*, August 1, 1987, p. 38.

۱۳. ناو گوادال کانال یک کشتی تهاجمی آبی خاکی کلاس ایوجیما (Iwo Jima) است که برای عملیات آبی خاکی طراحی شده است. این کشتی می‌تواند چهار فروند بالگرد سی استالین را به طور هم‌زمان از عرشه خود عملیاتی کرده و یازده فروند دیگر را در خود جای دهد. این کشتی ۱۸۳ متر طول دارد و عرشه پرواز آن به ۳۲ متر می‌رسد و افزون بر بالگردهای گفته شده، می‌تواند جنگنده‌های قائم پرواز هارییر (VSTOL Harrier) را نیز به پرواز در آورد. این ناو به مسلسل‌های عادی و مسلسل‌های ضد هوایی مجهز است، اما دفاع موشکی چندانی ندارد. بیشتر سرعتش ۲۳ گره دریایی می‌باشد. این کشتی حامل ۴۷ افسر و ۵۶۲ خدمه می‌باشد و کل افراد آن (در زمین) ۱۴۴ افسر و ۱۶۰۲ نفر کادر رسمی است.

14. *Aviation Week*, August 3, 1987, pp. 25-26; *Washington Post*, August 4, 1987, p. A - 1.

15. *Chicago Tribune*, July 31, 1987, p. I-1; *Washington Post*, August 4, 1987, p. A - 8.

16. *New York Times*, July 27, 1987 p. A - 1, July 31, 1987, p. A - 1.

۱۷. فرانسویان مدعی بودند، دلایلی در دست دارند که نشان می‌دهد گرجی مقصر است. در اوایل سال ۱۹۸۷، سرویس اطلاعات مخفی فرانسه مدعی شد که ایران بمب‌گذاری ماه سپتامبر سال ۱۹۸۶ در پاریس را ترتیب داده است در حالی که، فرانسه در ماه ژوئن آن سال، مسعود رجوی را از کشور اخراج و قسمت عمده مطالبات مالی ایران را طبق معاهدات جولای و نوامبر همان سال، پرداخت کرده بود و احتمال حمایت ایران از این بمب‌گذاری را نمی‌داد؛ زیرا، ایران تقریباً در حال آزاد کردن گروگانهای این کشور در لبنان بود، اما سرویس اطلاعاتی فرانسه مدعی شدند که مواد منفجره به کار رفته را شناسایی و یکی از اتومبیل‌های

یادداشتها

۱. پرچم‌گذاری مجدد به طور چشم‌گیری ناوگان کشتیهای باری امریکا را در جهان افزایش داد. تعداد کشتیهای تجاری امریکا نصف تعداد کشتیهای تجاری شوروی بود. امریکا طبق محاسبات خود، در شرایط اضطراری بین‌المللی به ۳۷۳ فروند کشتی با ظرفیت ۱۹۴ میلیون تن نیاز داشت، اما تعداد کشتیهای موجود ۲۰۰ فروند و ظرفیت آنها ۱۳۲ میلیون تن بود. کارگاههای کشتی‌سازی امریکا کمتر از ۱ درصد از کشتیهای جهان را می‌ساختند و انتظار می‌رفت که تعداد این کارگاهها از ۱۱۶ کارگاه در سال ۱۹۸۲ به ۶۵ کارگاه در سال ۱۹۹۰ کاهش یابد. همچنین، ۴۵ فروند نفتکش برای آن در خدمت امریکا باقی‌مانده بودند که کشتیهای حامل پرچم کشورهای دیگر مجاز به حمل نفت بین آلاسکا و امریکا نبودند. این موضوع مسائل جالبی برای هر جنگی در خلیج فارس به همراه داشت؛ زیرا، کشتیهای امریکایی در جنگ کره ۸۰ درصد از تدارکات نظامی و ۱۶ میلیون بار غیرنظامی و ۶۵ درصد از بار در جنگ ویتنام را حمل کردند. نفت کشتی ۳۰ درصد از کشتیهای انگلیسی اعزامی به فالکلند را تشکیل می‌دادند.

۲. این گفته چندان دقیق نیست. این نیرو تا ۱ ماه اوت سال ۱۹۸۷ به منطقه خلیج فارس اعزام نشد.

۳. بعدها معلوم شد که تاریخ برخی از این مینها به سال ۱۹۰۸ بر می‌گردد...

Washington Times, July 2, 1987, p. A - 1, and July 15, 1987; *Washington Post*, July 2, 1987, p. A - 26; *Baltimore Sun*, June 27, 1987, p. 2A; *Christian Science Monitor*, July 2, 1987, p. 11; *New York Times*, July 2, 1987, p. A 2.

۴. پنتاگون در ۱۶ ماه ژوئن سال ۱۹۸۷، نسخه ساده‌ای از این طرح را منتشر کرد که در آن، هیچ‌گونه اشاره‌ای به طرح استفاده از مینها نشده بود ...

Baltimore Sun, August 23, 1987, p. 2A.

5. *U.S. News and World Report*, July 13, 1987, p. 39; *Washington Times*, July 2, 1987, p. A - 1, and July 15, 1987, p. 20; *Washington Post*, June 27, 1987, p. A - 23, 1987, p. A - 21, July 21, 1987, P A - 1; *Christian Science Monitor*, July 2, 1987, p. 11; *New York Times*, July 19, 1987, p. 12, July 21, 1987, p. A - 8 and July 22, 1987, p. A - 10; *Baltimore Sun*, July 1, 1987, pp. 1A and 2A, July 24, 1987, p. 2A; *Wall Street Journal*, July 1, 1987, p. 2, July 19, 1987, p. 12.

۶. مینهای شناور یا مینهای تماسی را می‌توان با استفاده از یک وسیله جرتقیل مانند به داخل یک کشتی کوچک انداخت. خنثی کردن این نوع مینها نیز بسیار مشکل است؛ زیرا، رسیدن گرمای مستقیم به نوک این مینها برای انفجار آنها کافی می‌باشد.

7. *Chicago Tribune*, July 24, 1987, p. 1-1.

8. *Washington Post*, July 24, 1987, p. A - 16.

9. *New York Times*, July 25, 1987, p. 1; *Washington*

Christian Science Monitor, August 18, 1987, p.2.
25. *Ibid.*

۲۶. اعداد و ارقام دقیقی موجود نیست. برخی از برآوردها نشان می‌دهد که شیعیان ۴۰ درصد از نیروی کاری را در حوزه‌های نفتی تشکیل می‌دهند. کل جمعیت شیعیان در عربستان بین ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود که اغلب آنها در استان شرقی زندگی می‌کنند. هر چند برخی از فعالان شیعه دستگیر شده و از فعالیتهای آنها ممانعت به عمل آمده است، اما تعداد این فعالیتهای آنقدر زیاد نیست که مشکل جدی به وجود بیاید.

۲۷. شاه فهد مدرک خود را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه کالیفرنیا در سانتا باربارا برای آمریکا گرفته است. وی سیستم مجلس را در دست دارد و از این طریق می‌کوشد بین شیعه و سنی مساوات برقرار کند و موانع سنتی بین آنها را از میان بردارد.

28. *Washington Post*, August 17, 1987, p. A-1, and August 18, p. A-8; *Christian Science Monitor*, August 2, 1987, p.11; *New York Times*, August 18, 1987, p. A-3; *Baltimore Sun*, August 4, 1987, p.A-1; *Wall Street Journal*, August, 18, 1987, p. 58; *USNGWR*, August 24, 1987, p. 26.
29. *Washington Post*, August 7, 1987, p. A-25.

۳۰. نیروی دریایی آمریکا در زمینه کنترل کیفیت و دقت موشکهای هوا به هوای خود که از طریق رادار کنترل می‌شدند با مشکل جدی روبه‌رو بود. تعجبی ندارد که موشک AIM-VM نتوانست به هدف اصابت کند؛ زیرا، در نبردهای هوایی کنترل شونده از طریق رادار بعید بتوان به میزان بالایی از کشتار دست یافت. باید تعداد زیادی هواپیما و نیروی منسجم و سازمان‌دهی شده‌ای در اختیار باشد...

Washington Post, August 11, 1987, p.A-1 and August 12, p.A-20; *Auiation week*, August 17, 1987, pp.22-24; *New York Times*, August 11, 1987, p.2.

31. *Washington Post*, August 12, 1987, p.A-1; *New York Times*, August 11, 1987, p.A-3.

32. *Washington Post*, August 13, 1987, p.A-3.

33. *Washington Post*, August 14, 1987, p.A-29, September 20, 1987, p.A-25; *New York Times*, August 12 and 14, 1987, p.A-1; *Baltimore Sun*, August 14, 1987, p.1A; *Economist*, August 22-28, 1987, pp. 42-43; *Wall Street Journal*, August 14, 1987, p.11.

34. *Washington Post*, August 12, 1987, p.A-1, and August 13, 1987, p.A-29; *New York Times*, August 12, 1987, p.A-1; *Baltimore Sun*, August 13, 1987, p. 1A; *Economist*, August 22- 28, 1987, pp. 42-43; *Washington Times*, August 14, 1987 p. A-9.

35. *Washington Post*, August 12, 1987, p.A-19; *New York Times*, August 12, 1987, p.A-1; *Baltimore Sun*, August 13, 1987, p.1A; *Economist*, August

استفاده شده برای این منظور را دریایی کرده‌اند که با سفارت ایران در پاریس در ارتباط بوده است.

18. *Washington Times*, July 12, 1987, p. A - 7, and July 15, 1987, p. A - 20; *Washington Post*, July 8, 1987, p. A - 21, July 9, 1987, p. D - 4, July 14, 1987, p.A - 10, July 18, 1987, p.1, July 19, 1987, p. A - 17, July 21, 1987, p.A-16; *Christian Science Monitor*, July 2, 1987, p. 11; *New York Times*, July 18, 1987, p.1, July 19, 1987, p.12, July 21, 1987, p. A-8 and July 22, p.A-10; *Baltimore Sun*, July 12 1987 p.JA, July 19, 1987, p.1A July 24, 1987, p. 2A; *Wall Street journal*, July 1, 1987, p. 2, July 19, 1987, p. 12.

19. *Washington Post*, July 21, 1987, p.A-1; *USNGWR*, August 30, 1987, p.30.

20. *Washington Post*, November 30, 1987, p. A -1, and December 2, 1987, p. A- 33.

۲۱. این ادعاها ثابت نشدند. عربستان سعودی بیشتر جسد‌ها را بازگرداند. در تعداد اندکی از این جسد‌ها، آثاری شبیه به آثار گلوله وجود داشت. ایران ادعا می‌کرد که نیروهای سعودی تعدادی از زائران این کشور را بعد از دستگیریشان کشته‌اند.

۲۲. طبق یک گزارش، این تظاهرات از قبل طرح ریزی شده بود و قرار بود مهدی کروبی آن را هدایت کند. طبق برنامه، قرار بود ۱۵۰ هزار نفر زائر شیعه در این تظاهرات شرکت کنند. هر چند چنین گزارشهایی موثق و مطمئن نیست، اما [امام] خمینی در ۲۹ ماه جولای سال ۱۹۸۷، طی پیامی به زائران مکه گفت: «اگر مسلمانان در خانه ناس و خانه خدا از دشمنان خدا اظهار برائت نکنند، پس در کجا می‌توانند اظهار نمایند؟ من با اطمینان می‌گویم: اسلام موانع بزرگ داخل و خارج خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد».

23. *Washington Times*, July 2, 1987, p.A-8, July 7, 1987, p.A-1, July 20, 1987, p.A-6; *Washington Post*, July 2, 1987, p.A-23, July 8, 1987, p.A-24, July 14, 1987, p. A-10, July 18, 1987, p.A-20, July 19, 1987, p.A-17, July 21, 1987, p.A-16, July 22, 1987, p.A-14, July 29, 1987, p.A-19, August 10, 1987, p.A-1, August 17, 1987, p.A-16; *Christian Science Monitor*, July 2, 1987, p.11; *New York Times*, July 18, 1987, p.1, July 19, 1987, p.12 July 21, 1987, p.A-8 July 23, 1987, p. A-1; August 17, 1987, p.A-1; *Baltimore Sun*, July 4, 1987, p.A-1, July 19, 1987, p.A-1; July 24, 1987, p. 2A; *Wall Street Journal*; July 9, 1987, p.24; *Philadelphia Inquirer*, July 3, 1987, p. 10A, August 11, 1987, p. 4A; *Los Angeles Times*, July 17, 1987, p.I-1; *Insight*, August 3, 1987, p.30; *USNGWR*, August 17, 1987, p. 23.

24. *Washington Post*, August 2, 1987, p. A - 1; August 3, 1987, p.A-1 August 4, 1987, p.A-1;

46. Ibid.

47. *New York Times*, September 4, 1987, p.A1, September 5, 1987, p.5, September 6, 1987, p.3; *Washington Post*, September 4, 1987, p. A-1 September 5, 1987. p.A-1, September 7, 1987, p.A-23. *Washington Times*, september 7, 1987, p.A-2.

48. *Washington Post*, September 3, 1987, p. A-1 *New York Times*, September 3, 1987, p.A-1; *Christian Science Monitor*, September 3, 1987, p.1.

49. *Jane's Defense Weekly*, October 24, 1987, p.938.

50. *Jane's Defense Weekly*, September 26, 1987, pp.671 - 673.

۵۱. کشتی وین لانگ در ۱۱ ماه اوت از برست (Brest) حرکت کرده بود، اما به دلیل مشکلات موتورش مجبور شد، بازگردد. بدین ترتیب، کشتی اوریون (Orion) جایگزین آن شد.

۵۲. همه آنها مینهای تماسی M-08 ساخت شوروی بودند که ۶۰۰ کیلوگرم وزن و ۱۱۵ کیلوگرم مواد داشتند. هر چند گزارش می شد که ایران مینهای مدرن تری را در اختیار دارد، اما هیچ مین مدرنی کشف نشد.

۵۳. در نتیجه حمله به استارک، سیستم سنگربندی (Barricade) در عرض ۷۲ ساعت در ناوچه های MCMV کلاس هانت (Hunt - Class) و عبدیل (Abdiel) به کار گرفته شد. این سیستم راکت های چف (Chaff)، فلر (flare) و

برخی از موشک های دیگر را دارا بود. هر ناوچه هانت به دو توپ ۲۰ میلی متری اورلیکن (Orlikon-BMARC)، یک توپ دو منظوره ۴۰ میلی متری بوفرز (Bofors) و دو قبضه توپ خودکار ۷/۶۲ میلی متری مجهز بود.

تجهیزات مین یاب کشتی به امکانات الکترونیکی ماهواره ای مجهز بود که عرض کشتی را بیشتر از حد واقعی وانمود می کرد و یک موقعیت غیر واقعی، اما علنی برای کشتی خلق می کرد و کشتی را در مکانی که

قرار نداشت، نشان می داد. همچنین، این کشتی از موشک های تهاجمی ماتیلدا (Matilda) و سیستم هشدار ESM برخوردار بود. دستگاه های صوتی بهبود داده شده و به دستگاه های ۲۰۵۹ الکن باری (Alconbury)

(EDO) مجهز شده بودند. این دستگاهها، دستگاه صوتی استاندارد کشتی را به یک دستگاه PAP-۱۰۴ که از راه دور کنترل می شد، متصل می کرد.

بدین ترتیب، برد و توان دستگاه صوتی کشتی افزایش می یافت.

۵۴. قایق های سی فوکس قایق های سبک جنگی ویژه ای هستند که ۱۱ متر طول دارند و با سرعت ۳۲ گره دریایی حرکت می کنند. آنها چهار نوع سلاح را در خود جای می دهند که شامل توپ های خودکار، سلاح های ضدتانک، خمپاره انداز و توپ های ضد هوایی ۲۰ میلی متری هستند.

22-28, 1987, pp.42-43.

36. *Washington Post*, August 16, 1987, p.A-1; *New York Times*, August 16, 1987. p.A-1; *Baltimore Sun*, August 16, 1987, p.1A.

37. *Washington Post*, August 17, 1987, p.A-19; *New York Times*, August 18, 1987. p.A-1; *Baltimore Sun*, August 17, 1987, p.1A.

۳۸. این هزینه را می توان به صورت کل هزینه نیروهای درگیر یا به صورت هزینه جنبی عملیات محاسبه کرد. پنتاگون در ۲۱ ماه اوت سال ۱۹۸۷ اعلام کرد که ده هزار نفر پرسنل مستقر در خلیج فارس، ماهانه مبلغ ۱۱۰ دلار به عنوان حق مأموریت دریافت خواهند کرد. صرف این مبلغ، میزان هزینه های اضافی را تا ۷۱ میلیون دلار در ماه افزایش می داد. طنز آمیز است که دیوید آرمور (David J. Armor)، معاون اجرایی وزیر دفاع، که این افزایش حقوق را اعلام کرد، تنها سه هفته پیش از آن، به کمیته نیروهای مسلح کاخ سفید گفته بود: «تهدید پیشروی کشتی رانی امریکا در خلیج فارس کمتر از تهدید تروریسم در اغلب کشورهای خاورمیانه می باشد. در مورد امریکا، هرگز به دلیل تهدید تروریسم وضعیت اضطراری اعلام نشده است...».

Washington Post, August 27, 1987, p.A-21; *Wall Street Journal*, August 27, 1987. p.22.

39. *Washington Post*, August 19, 1987, p.A-1; *And August 20, 1987. p.A-1; New York Times*, August 19, 1987, p.A-1.

40. *New York Times*, August 21, 1987, p.A-3 *Washington Post*, August 20, 1987, p.A-25.

۴۱. سعودیها بعد از آشکار شدن جزئیات همکاریشان در واشنگتن پست (Washington Post) منکر این همکاریها شدند. این انکارها تشریفاتی و برنامه ریزی شده بود. سعودیها مراقب بودند که در مورد همکاریهایشان کتباً معاهده ننهند...

Washington Post, August 22, 1987, p.A-1; August 23, 1987. p.A 21; August 24, 1987, p.A-1; *Chicago Tribune*, ; August 23, 1987. p.1- 4.

42. *Washington Post*, August 22, 1987, p.A-1; *Economist*, August 29, 1987. p.A-17.

43. *Baltimore Sun*, August 26, 1987, p. 4A; *Washington Post*, August 26, 1987, p.A-1; August 23, 1987. p.A-21; August 24, 1987. p.A- 1; *New York Times*, August 25, 1987, p.A-9 August 26, 1987. p.A-1; *Chicago Tribune*, August 26, 1987. p.I- 1; *los Angeles Times*, August 16, 1987, p.I-1, *Chrstran Science Monitor*, August 19.1987, p.11; *Philadelphia Inquirer*, August 26, 1987, p.1A.

44. *Washington Post*, August 22, 1987, p.A-1; August 23, 1987. p.A21; August 24, 1987, p.A-1; *Chicago Tribune*, August 23, 1987, p.I- 4; *Christian Science Monitor*, August 19, 1987, p. 11.

45. *Washington Post*, August 28, 1987, p.A-16; *Economist*, September 5, 1987, p.58.